

۱۹. آسیب‌شناسی حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی بایسته‌های دهه چهارم انقلاب و برنامه پنجم توسعه

دفت‌ر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰

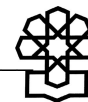
شماره مسلسل: ۹۸۲۷

شهریور ماه ۱۳۸۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۵	اهمیت و اهداف سازمان‌های بین‌المللی
۷	رویکردهای عمده نظری به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی
۹	سازمان‌های بین‌المللی و سیاست خارجی
۱۱	رویکرد و عملکرد نخبگان ایرانی در قبال سازمان‌های بین‌المللی (قبل و بعد از انقلاب)
۲۰	چالش‌ها و موانع حضور فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی
۲۶	تهدیدات عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
۲۸	بررسی مقایسه‌ای مشارکت ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای در سازمان‌های بین‌المللی
۳۱	راهکارهای ارتقای حضور ایران در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی
۳۵	پی‌نوشت‌ها



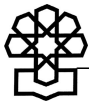
۱۹. آسیب‌شناسی حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی بایسته‌های دهه چهارم انقلاب و برنامه پنجم توسعه

چکیده

کارنامه فعالیت ایران در سازمان‌های بین‌المللی و کیفیت حضور کنونی آن در مجامع و نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان می‌دهد که ایران در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی، به‌رغم حضور در بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و انتقال پیام گفتمان انقلاب اسلامی به دولت‌ها و ملت‌های جهان، از نقش‌آفرینی فعال و مؤثر متناسب با شأن و جایگاه ایران در این سازمان‌ها برخوردار نیست. این مسئله اگرچه تا حدودی متأثر از نگرش نخبگان اجرایی به سازمان‌های بین‌المللی و مخالفت قدرت‌های بزرگ با افزایش نقش ایران در نظام بین‌الملل است؛ اما عدم وجود راهبردی منسجم، هدفمند و بلندمدت برای ارتقای جایگاه ایران در این سازمان‌ها و عدم استفاده از ظرفیت‌های بالقوه قدرت نرم ایران برای لابی‌گری و اجماع‌سازی در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز نقش مهمی در وضعیت کنونی کشورمان در این سازمان‌ها دارد. براین‌اساس در آستانه دهه چهارم انقلاب و با توجه به تأکید سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مبنی بر «حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد تحول در رویه‌های موجود براساس ارزش‌های اسلامی» و همچنین نقش مهم سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تحقق هدف هژمونی منطقه‌ای ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، این گزارش به بررسی وضعیت کنونی ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته و چالش‌ها و موانع حضور فعال ایران و تهدیدات عضویت در این سازمان‌ها را مورد ارزیابی قرار داده است. علاوه بر این، در این گزارش با بررسی مقایسه‌ای میزان مشارکت، نفوذ و تأثیرگذاری ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای، به راهکارهای ارتقاء حضور ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز اشاره شده است.

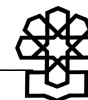
مقدمه

سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل کنونی، یکی از مهمترین و مؤثرترین بازیگران تعیین‌کننده در روند مدیریت جهانی محسوب می‌شوند. این مسئله متأثر از اهمیت این سازمان‌ها در قاعده‌مند کردن مناسبات بین‌الملل، ارتقاء تعاملات جوامع بشری، قانونگذاری بین‌المللی، حل و فصل



مسالمت‌آمیز اختلافات و نظارت این سازمان‌ها بر عملکرد دولت‌هاست. براین‌اساس وابستگی دولت‌های ملی به سازمان‌ها، نهادها و اتحادیه‌های فراملی یک ضرورت و نیاز در دنیای پیچیده امروزی شده است و دولت‌ها درصدد بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی برای ارتقای منافع و امنیت ملی خود برآمده‌اند. در این میان، با توجه به اهمیت روزافزون این سازمان‌ها در روابط بین‌الملل، «حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد تحول در رویه‌های موجود براساس ارزش‌های اسلامی» به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تعیین شده است. این مسئله نشان‌دهنده توجه سیاست خارجی ایران به اهمیت سازمان‌های بین‌الملل در دوران معاصر است. در واقع تأکید بر حضور فعال و هدفمند و تلاش برای تأثیرگذاری بر رژیم‌های بین‌المللی نشان‌دهنده تحول رویکرد منفی سیاست خارجی ایران به این سازمان‌ها (به‌عنوان ابزار سلطه ابرقدرت‌ها، سازمان‌های ارتجاعی و غیرکارآمد برای کشور جهان سوم و جهان اسلام و همچنین رویکرد تریبونی نسبت به این نهادهای بین‌المللی) به رویکرد مثبت و تعاملی با آنان است. این تحول رویکرد جمهوری اسلامی ایران سبب تلاش آن به‌منظور مشارکت بیشتر برای نقش‌آفرینی در این نهادهای بین‌المللی شده است چنانچه در این زمینه:

- ایران تلاش‌هایی برای عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای (مانند شورای همکاری خلیج فارس، سارک و شانگهای) و سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی (مانند اتحادیه عرب، عضویت غیردائم شورای امنیت) داشته است.
- جمهوری اسلامی ایران نقش فعالی را در سازمان‌های منطقه‌ای (مانند سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و...) به‌ویژه در مسائلی مانند پرونده هسته‌ای و تحولات جهان اسلام به انجام می‌رساند.
- ایران در اجلاس‌های متعدد سازمان‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی شرکت کرده و میزبانی برخی از این اجلاس‌ها (مانند عدم تعهد، کنفرانس اسلامی و...) را برعهده گرفته است.
- جمهوری اسلامی ایران به عضویت در برخی از ارکان مهم سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای رسیده است. چنانچه ریاست اجرایی برنامه عمران ملل متحد و صندوق جمعیت سازمان ملل، ریاست شورای مستقل فائو، ریاست بر گروه ۱۵ در سطح مدیران، ریاست اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند، عضویت در هیئت هماهنگ‌کننده برنامه ایدز در سازمان ملل، تأیید ریاست ایران بر جنبش عدم تعهد برای دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، ریاست بعدی گروه ۸ و... نمونه‌هایی از این مسئله است.
- ایران تلاش‌هایی برای تعیین دستور کارهای بین‌المللی مانند طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، ائتلاف



برای صلح، اصلاحات سازمان ملل و... ارائه داده است.

• جمهوری اسلامی ایران در روند تأسیس برخی سازمان‌ها (مانند سازمان کشورهای صادرکننده گاز، DA و...) نقش مؤثری داشته است.

با وجود، این علی‌رغم تحول رویکرد ایران نسبت به این نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، با نگاهی به عملکرد سیاست خارجی کشورمان در قبال این سازمان‌ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، ضرورت آسیب‌شناسی حضور ایران در این سازمان‌ها و تغییر وضعیت کنونی آشکار می‌شود؛ زیرا که هم‌اکنون نیز علی‌رغم برخی موفقیت‌های دیپلماسی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و در آستانه دهه چهارم انقلاب:

۱. ایران هنوز توانایی مؤثری در تعیین دستور کار سازمان‌های بین‌المللی برعهده ندارد. چنانچه در این زمینه در مسائلی مانند تحولات جهان اسلام و به‌ویژه مسئله فلسطین نیز ایران نتوانسته است از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده و نقش محوری و مؤثری را در طرح و تصویب قطعنامه‌های بین‌المللی ایفا کند.

۲. مسئولیت‌های اجرایی محدودی در اختیار نمایندگان ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار می‌گیرد. در واقع اگرچه در موارد محدودی برخی از دیپلمات‌های ایرانی به عضویت یا ریاست برخی از ارکان یا شوراهای تخصصی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پذیرفته شده‌اند؛ اما در این زمینه هرگز از توانایی‌ها و فرصت‌های بالقوه موجود استفاده نشده است. چنانچه ایران تنها کشوری است که نماینده‌ای از آن به دبیرکلی اوپک دست نیافته است.

۳. حقوق و خواسته‌های مسلم و قانونی ایران در برخی از این سازمان‌ها نادیده گرفته می‌شود. چنانچه ایران علی‌رغم پرداخت حق عضویت زیاد در میان دولت‌های جهان سوم به آژانس انرژی اتمی و همکاری وسیع با این نهاد بین‌المللی، از استیفای کامل حقوق خود و عدم ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت ناکام ماند.

۴. حمایت دیپلماتیک مؤثری از حقوق اتباع ایرانی در سازمان‌ها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی صورت نمی‌گیرد. چنانچه در این زمینه، تلاش بسیار مدافعان حقوق جانبازان شیمیایی در عرصه دادگاه‌های جهانی بدون حمایت دولت ایران با شکست مواجه شده است. این مسئله به‌گونه‌ای بوده که ایران حتی در دادگاه‌هایی - مانند دادگاه دارم اشتارت ۱۹۹۲ در آلمان - که دیگر کشورها برای مجازات عاملان این جنایات و شرکت‌های تابع این کشورها که مواد اولیه شیمیایی به صدام فروخته بودند نیز شرکت نکرده و پرونده‌ای برای احقاق حقوق جانبازان شیمیایی به مجامع بین‌المللی اروپایی نفرستاده است.

۵. تلاش ایران برای عضویت در برخی از سازمان‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای با



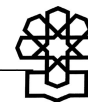
استقبال کمی مواجه می‌شود. چنانچه درخواست عضویت ایران در شورای امنیت، سازمان تجارت جهانی، شورای همکاری خلیج فارس، عضویت دائم در شانگهای و ... موفقیت آمیز نبوده است.

۶. شأن و احترام دیپلمات‌ها، نمایندگان و در مواردی برخی از مقامات ایرانی مشارکت‌کننده در برخی از اجلاس‌های نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای متناسب با عزت ایران اسلامی رعایت نمی‌شود. چنانچه مثلاً در این زمینه حضور مقامات رسمی کشورمان در اجلاس سازمان‌های غیردولتی در ژنو قابل ذکر است.

۷. اقدامات منفی علیه ایران در برخی از این سازمان‌ها در جریان بوده و در مواردی پرونده‌های مذکور به محکومیت، تحریم، تصویب قطعنامه علیه ایران و ... منجر شده است. در این زمینه قطعنامه‌های سازمان‌های حقوق بشری علیه ایران، پرونده هسته‌ای و تلاش‌های شورای امنیت و تصویب ۱۰ قطعنامه علیه ایران و ... مصادیقی از این مسئله هستند.

۸. نگرش و سیاست‌های ایران به سازمان‌های بین‌المللی بیشتر با رویکرد تریبونی است. در واقع علی‌رغم درک ضرورت حضور و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی و برخی اقدامات مؤثر و مفید در این زمینه، ایران تاکنون بیشتر به دنبال اعلام مواضع خود از طریق این سازمان‌ها و استفاده از آنان به‌عنوان تریبونی بین‌المللی برای ابراز نظرات و دیدگاه‌های خود بوده و کمتر از فرصت‌ها و ظرفیت‌های ممکن دیگر این سازمان‌ها استفاده کرده است.

۹. در سیاست‌های اعمالی دیپلمات‌ها و نمایندگان ایران در این سازمان‌ها، ظرفیت‌سنجی کارشناسانه فرصت‌های موجود در راستای منافع ملی کشورمان صورت نمی‌گیرد. چنانچه سیاست‌های منفعلانه نمایندگان ایران در سازمان‌های بین‌المللی برای تثبیت نام خلیج فارس تنها بخشی از این مسئله را نشان می‌دهد. همچنین ایران نتوانسته است اقدامات مؤثری در تقابل با منافع دشمنان نظام در سازمان‌های بین‌المللی برعهده گیرد چنانچه در این زمینه، اعلام روز هولوکاست و اجباری شدن آموزش هولوکاست در کتب درسی کلیه کشورها تنها یکی از مصادیق این مسئله است. این شواهد نشان می‌دهد که سیاست خارجی کنونی جمهوری اسلامی ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و نیازمند آسیب‌شناسی جدی است. براین اساس در این گزارش با رویکردی آسیب‌شناسانه، به بررسی نگرش و عملکرد سیاست خارجی ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی از ابتدای انقلاب تاکنون پرداخته و راهکارهایی جهت ارتقای حضور ایران در این نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه می‌شود.



اهمیت و اهداف سازمان‌های بین‌المللی

یکی از ویژگی‌های نظام بین‌الملل معاصر، نقش مهم و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. به‌گونه‌ای که امروزه این سازمان‌ها در کنار دولت‌ها به‌عنوان یکی از بازیگران نظام بین‌الملل محسوب شده و بخشی از حاکمیت و اقتدار دولت‌ها را به‌خود اختصاص داده‌اند. در این شرایط، حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هر کشوری ایجاب می‌کند که با سازمان‌های بین‌المللی تعامل داشته باشد؛ زیرا که حیطة عملکرد و فعالیت این سازمان‌ها به حدی گسترش یافته که حتی اگر کشوری خواهان هیچ تعاملی با آنان نباشد نیز نمی‌تواند از محدودیت‌های اعمالی آنان بر خودش رهایی یابد. از سوی دیگر کارویژه‌ها و عملکرد این سازمان‌ها و فرصت‌ها و منافع حاصل از آن برای دولت‌ها نیز عامل مهمی در ترغیب کشورها به تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. از این‌رو امروزه در عرصه‌های بین‌المللی، بازیگران سیاسی می‌کوشند تا اقتدار خود را به سازمان‌های بین‌المللی تفویض کنند. در این میان، برخی از مهمترین کارویژه‌ها و اهداف سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی که دولت‌ها را به تعامل با آن تشویق می‌کند عبارتند از:

۱. **قاعده‌مند کردن مناسبات بین‌المللی:** یکی از مهمترین اهداف هر سازمان بین‌المللی، قاعده‌مند کردن و نظم بخشیدن به روابط و مناسبات بین‌المللی است که در حیطة وظایف و اختیارات آن سازمان قرار دارد. در واقع شخصیت حقوقی بین‌المللی هر سازمان و همچنین اراده مستقلی که برای سازمان‌ها در نظر گرفته می‌شود، سبب تعیین هدف‌های معینی برای سازمان‌ها شده که در آن به‌جای اندیشیدن به منافع خصوصی به منافع عام جامعه بین‌المللی توجه می‌شود؛ لذا سازمان‌ها موظفند برای به‌وجود آوردن نظم عمومی بین‌المللی و ایجاد محیطی با ثبات در صحنه بین‌المللی تلاش کنند.

۲. **قانونگذاری بین‌المللی:** یکی دیگر از کارویژه‌های سازمان‌های بین‌المللی، قانونگذاری بین‌المللی و تلاش برای تعیین قواعد رفتاری لازم دولت‌ها در نظام بین‌الملل است. این مسئله سبب تعیین قواعد و قوانین در تعاملات میان دولت‌ها شده و به نظم و ثبات نظام بین‌الملل کمک می‌کند.

۳. **تسهیل همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی:** سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌مثابه عوامل مؤثر در زمینه همگرایی و همسویی منافع ملی کشورها عمل می‌کنند. در واقع هدف اولیه از تشکیل سازمان‌های بین‌المللی، ایجاد همگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌الملل و حل‌وفصل موضوعات و اختلافات دولت‌ها در نظام بین‌الملل است. براین اساس، هم‌اکنون این سازمان‌ها نقش مهمی در حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی بازی می‌کنند به‌گونه‌ای که منشور ملل متحد، سازوکارهای منطقه‌ای و سازمان‌ها را به‌عنوان یکی از شیوه‌های



مسالمت‌آمیز اختلافات دانسته است.

۴. **نظارت بر عملکرد دولت‌ها:** امروزه با پیچیده‌تر شدن روزافزون نظام‌های حکومتی، فعالیت دولت‌ها از حالت سیاسی و ملی صرف خارج شده و با گسترش ابعاد جهانی شدن اقتصاد، سیاست، فرهنگ و به‌ویژه انقلاب تکنولوژیک، سازمان‌های بین‌المللی در اعمال تصدی دولت‌ها شریک شده‌اند. براین اساس یکی از کارویژه‌های سازمان‌های بین‌المللی که نظارت بر عملکرد دولت‌ها است، تشدید و تقویت شده است. در واقع اگرچه عدم مداخله در امور داخلی کشورها همواره یک اصل مسلم در حقوق سازمان‌های بین‌المللی بوده است؛ اما امروزه نظارت و بازرسی وسیعی توسط سازمان‌های بین‌المللی نسبت به عملکرد دولت‌ها وجود دارد.^(۱)

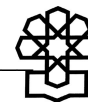
با توجه به اهمیت سازمان‌های بین‌المللی و لزوم تعامل مؤثر دولت‌ها با این سازمان‌ها، دولت‌ها نیز تلاش می‌کنند تا با عضویت و حضور در این سازمان‌ها، اهداف و منافع فراملی خود را تأمین کنند. در این میان، مهمترین اهداف دولت‌ها از حضور و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از:

۱. **تلاش برای ارتقای منافع ملی و بین‌المللی:** در فضای بین‌المللی کنونی، بازسازی روابط دولت‌ها با یکدیگر علاوه بر مذاکرات مستقیم، از طریق دیپلماسی پارلمانی و سازوکارهای چندجانبه صورت می‌گیرد. بنابراین بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند برای ارتقای منافع و امنیت ملی هر کشور حائز اهمیت باشد.

۲. **مشروعیت‌سازی سیاست‌های ملی و فراملی:** با توجه به اهمیت روزافزون سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها با تعامل سازنده با سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند تا مشروعیت سیاست‌های خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل را به‌دست آورند.

۳. **ارائه تصویری مطلوب و مناسب از نظام سیاسی در نظام بین‌الملل:** یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها در عصر جهانی شدن، اقتناع‌سازی و مهندسی افکار عمومی بین‌المللی است. در این شرایط هر دولتی برای تأثیرگذاری بیشتر در سطح منطقه و نظام بین‌الملل باید تصویر مناسب‌تری از خود ارائه داده تا فضای مانور مؤثرتری را به‌دست آورد. بدین منظور دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و حضور فعال در آنان، تصویری مطلوب و مناسب از واحد سیاسی خود ارائه داده تا بر میزان نفوذ و تأثیر خود در منطقه و نظام بین‌الملل بیفزایند.

۴. **ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی:** دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی برای همگرایی منافع کشورها به تعاملات گسترده با دولت‌های دیگر دست یافته و زمینه ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی را در راستای اهداف خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دست آورند.



در اینجا باید به این نکته توجه داشت که اگرچه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در راستای منافع برخی دولت‌های خاص ایجاد شده یا نقش قدرت‌های بزرگ در آنان بیشتر از سایر کشورهاست؛ اما اهمیت این سازمان‌ها و منافع حضور در آنان و ظرفیت‌ها و فرصت‌های ممکن برای سایر دولت‌ها در این نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، عامل مهمی برای تلاش این دولت‌ها در پیشینه‌سازی توان تأثیرگذاری در نهادها و سازمان‌های مذکور شده است. بنابراین امروزه تلاش برای عضویت و حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای بین‌الملل به یک اصل مسلم در روابط خارجی کشورها تبدیل شده است.

رویکردهای عمده نظری به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی

به‌طور کلی همواره دو رویکرد واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در تحلیل عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. اختلاف این دو رویکرد نه‌تنها در چگونگی نگرش آنها به‌صورت مسئله بلکه به عمق تجزیه و تحلیل آنها درخصوص طبیعت نظام بین‌الملل تسری پیدا می‌کند. از نظر واقع‌گرایان، تنازع، رقابت و خشونت جزء لاینفک و طبیعی نظام بین‌الملل بوده و لذا ضرورت و فایده عملی چندانی برای ایجاد نهادهای بین‌المللی به‌منظور ریشه‌کن کردن این ویژگی نظام بین‌الملل وجود ندارد. آنان معتقدند که تأسیس نهادهای بین‌المللی نمی‌تواند کمک مؤثری به بهبود شرایط و اوضاع هرج و مرج آمیز نظام بین‌الملل داشته باشد؛ زیرا که طبیعت بشر و واقعیت‌های جامعه بین‌المللی دقیقاً اقتضای همان شرایطی را دارد که تاریخ بشر آن را نشان داده و جنگ و خونریزی همواره بخشی از این تاریخ بوده است.

در مقابل این رویکرد، آرمان‌گرایان معتقد به تأثیرگذاری سازوکار سازمان‌های بین‌المللی بر لایه‌های عمیق ساختار سیاست بین‌الملل هستند. در واقع آنان ایجاد همکاری دولت‌ها در نظام بین‌الملل را از طریق سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ممکن دانسته و به ماهیت رفتارهای دولت‌ها خوش‌بین هستند. به اعتقاد آرمان‌گرایان، منازعه و جنگ میان دولت‌ها بدون شک قابل کنترل، کاهش و حتی قابل ریشه‌کنی است، فقط به شرط آنکه برای این کار ترتیبات و تمهیدات سیاسی مقتضی اندیشیده شده و به‌کار بسته شود.

دو دیدگاه واقع‌گرا و آرمان‌گرا در مبحث سازمان‌های بین‌المللی دارای اهمیتی فوق‌العاده هستند زیرا که این دو دیدگاه در حقیقت مرکز ثقل و گرانیگاه نقطه‌نظرات متفاوت و رویکردهای متضاد درخصوص سازمان‌های بین‌المللی و جایگاه این سازمان‌ها در نظام بین‌الملل و کارکرد آنها در سیاست بین‌الملل هستند.^(۲)



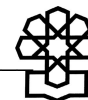
با وجود این، به نظر می‌رسد که در مقاطع مختلف در روابط بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی از دو منظر افراطی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از منظر خوش‌بینی آرمان‌گرایانه که سازمان‌های بین‌المللی را به مثابه پیش‌درآمد جامعه جهانی واحد و حکومت فراگیر جهانی تلقی کرده و از منظر بدبینانه‌ای که سازمان‌های بین‌المللی را نماد تلاش‌های بی‌حاصل و همکاری‌های صوری بین دولت‌های ذاتاً جنگ‌طلب قلمداد کرده است؛ اما به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از این دو دیدگاه در عصر جهانی شدن و در شرایط کنونی بیان‌کننده حقیقت مطلق نیستند زیرا که هم‌اکنون اگرچه دولت‌ها بازیگران اصلی و تعیین‌کننده روابط بین‌الملل هستند؛ اما امواج جهانی که در بردارنده تغییر و تحول بنیادین در ساختار روابط بین‌الملل و در قواعد کنشگری و کم‌وکیف کنشگران است فرا رسیده که خود بر این ساختار تأثیرگذار است.^(۳)

بنابراین سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان یک ضرورت در نظام هرج و مرج‌گونه کنونی، توانایی فراهم آوردن سازوکار و بستر لازم برای همکاری‌های نهادینه میان دولت‌ها و دیگر بازیگران عرصه بین‌الملل را پیدا کرده‌اند و می‌توانند راه‌های متعدد ارتباطی میان دولت‌ها را به‌منظور گسترش همگرایی، حل‌وفصل اختلافات، چرخه سازمان‌یافته اطلاعات و تماس و ارتباط مستمر تقویت کنند.

از سوی دیگر همواره دو رویکرد بدبینانه یا تجدیدنظرطلب و انقلابی و رویکرد خوش‌بینانه یا محافظه‌کار و طالب حفظ وضع موجود در نگرش و تعامل کشورها با سازمان‌های بین‌المللی وجود داشته است. در این میان رویکرد اول معتقد است که سازوکارهای کنونی موجود در سازمان‌های بین‌المللی کارآمد نبوده و تنها در راستای منافع قدرت‌های بزرگ یا دولت‌های مؤسس این سازمان‌ها تنظیم شده است.

به اعتقاد آنان سازمان‌های بین‌المللی ابزار دست قدرت‌های بزرگ و نهادهای مشروعیت‌ساز سیاست‌های آنان در نظام بین‌الملل بوده و از طریق رژیم‌ها، هنجارها و حقوق بین‌الملل، سلطه آنان بر کشورهای دیگر و به‌ویژه کشورهای ضعیف جهان سومی اعمال می‌شود. بنابراین آنان رویکرد واگرایانه، بدبینانه و تقابل‌گرایانه‌ای با سازوکارهای کنونی موجود در نظام بین‌الملل و بالتبع با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی کنونی داشته و به دنبال تغییر ساختار این سازمان‌ها هستند.

رویکرد دوم برخلاف رویکرد اول سازوکارهای کنونی موجود در نظام بین‌الملل را مؤثر و کارآمد دانسته و درصدد تقویت آن و مقابله با تغییر در ساختارهای کلی آن است. در این میان اگرچه این دو رویکرد هر یک بر اساس منافع، ارزش‌ها و نگرش‌های ذهنی و محیطی کشورهای مختلف مطرح می‌شوند، اما هر یک تنها بخشی از واقعیت موجود در نظام بین‌الملل را به تصویر می‌کشند. بر این اساس می‌توان رویکرد سوم و عمل‌گرایانه‌ای را نسبت به سازمان‌های بین‌المللی

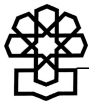


مورد بررسی قرار داد. در این رویکرد، اگرچه ساختارهای کنونی بیشتر منافع برخی از قدرت‌های بزرگ را تأمین می‌کنند و این کشورها نقش مهمی در سیاستگذاری‌های سازمان‌های بین‌المللی دارند، اما می‌توان با تعامل گسترده با سازمان‌های بین‌المللی مختلف و با رویکرد بازی با حاصل جمع غیرصفر، منافع ملی خود را در این سازمان‌ها ارتقا بخشید. به عبارت دیگر در شرایط کنونی و با گسترش حوزه عملکرد سازمان‌های بین‌المللی عملاً این نهادها، به‌طور هم‌زمان فرصت و تهدیدی برای دولت‌های ملی هستند.

لذا می‌توان با حضور و مشارکت فعال در این سازمان‌ها به کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌های ملی در نظام بین‌الملل مبادرت کرد. در این میان باید توجه داشت که اگرچه تعامل با سازمان‌های بین‌المللی تنها بخشی از تعامل بین‌الملل یک دولت و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود، اما این مسئله به دلیل نقش و کارکردهای مهم سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه در حوزه قانونگذاری بین‌المللی و تدوین رژیم‌ها و حقوق بین‌الملل از اهمیت مضاعفی برخوردار است زیرا که این نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که وظیفه و رسالت تدوین، تنظیم و اجرای پروسه سازمان‌دهی بین‌المللی را برعهده دارند و در تحقق تعامل بین‌المللی نقش کلیدی و محوری را ایفا می‌کنند.

سازمان‌های بین‌المللی و سیاست خارجی

سازمان‌های بین‌الملل و سیاست خارجی یک رابطه دوطرفه و تعامل دوجانبه با یکدیگر دارند. در واقع سیاست خارجی به‌مثابه کانالی است که کشورها از طریق آن با بقیه اجزای نظام بین‌الملل به‌طور عام و با سازمان‌های بین‌المللی به‌طور خاص به تعامل و دادوستد می‌پردازند. بنابراین از یکسو سازمان‌های بین‌المللی تأثیرات چشمگیر و مهمی را بر محتوا، نوع، روش سیاستگذاری و روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کشورها برجای می‌گذارند و از سوی دیگر سیاست خارجی یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها می‌تواند تأثیرات شگرف و تعیین‌کننده‌ای را بر نحوه رویکرد سازمان‌های بین‌المللی نسبت به مسائل نظام بین‌الملل و نیز روند تصمیم‌گیری در این سازمان‌ها برجای گذارد. به عبارت دیگر سیاست خارجی کشورهای ضعیف همواره متأثر از سازمان‌های بین‌المللی بوده و سازمان‌های بین‌المللی همواره تحت تأثیر سیاست خارجی کشورهای قدرتمند بوده‌اند. از این رو است که دستیابی به یک شناخت همه‌جانبه، عمیق و منطبق بر واقعیات نسبت به سازمان‌های بین‌المللی، ضرورتی انکارناپذیر برای کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود. در حقیقت در پرتو یک چنین درک و شناخت واقع‌بینانه‌ای است که کشورها قادر خواهند بود تا



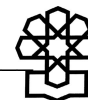
آسیب‌پذیری خود از حضور در این عرصه را به حداقل رسانده و گام‌های جدی‌ای را در راستای حفظ و تأمین منافع ملی خود در عرصه نظام بین‌الملل بردارند.

در این میان، سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و کشورهای قدرتمند در تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و در تقابل میان منافع‌شان و عملکرد این سازمان‌ها، مبتنی بر دو حالت زیر است: حالت اول اینکه این کشورها به لوازم حضور و عضویت در یک سازمان بین‌المللی که در تعارض با منافع‌شان می‌دانند تن نداده و از پیوستن و حضور در آن اجتناب می‌کنند چنانچه در مواجهه با جامعه ملل که سازمانی شبیه به سازمان ملل متحد فعلی در دوره بین دو جنگ جهانی بود، برخی از کشورها و قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا عضویت نداشته یا در بروز تقابل منافع‌شان و اهداف و سیاست‌های این سازمان، به خروج از آن اقدام نمودند. همچنین عدم پذیرش عضویت آمریکا در دیوان بین‌المللی کیفری، خروج از سازمان یونسکو و... نیز نمونه‌های دیگری از سیاست خارجی تقابل‌گرایانه قدرت‌های بزرگ با سازمان‌های بین‌المللی است.

حالت دوم این است که این کشورها به دلایل گوناگون تصمیم به عضویت در این سازمان‌ها گرفته و تأمین منافع ملی خود را در گرو حضور فعال در این سازمان‌ها ارزیابی می‌کنند. پرواضح است که در چنین انتخابی، پیش‌فرض این کشورها مبتنی بر این اصل است که بدین طریق و با حضور در این عرصه، آنان قادر خواهند بود به‌گونه‌ای بهتر و مؤثرتر به دفاع از منافع و مصالح ملی خود در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی بپردازند.

حضور قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی عملاً مترادف با تلاش همه‌جانبه، بی‌وقفه و آشکار آنان برای تأمین منافع خود و تا حد امکان تأثیرگذاری و نفوذ بر روند تصمیم‌گیری در این سازمان‌هاست. همین واقعیت است که سازمان‌های بین‌المللی را در بسیاری از اوقات به صحنه نبرد در حوزه‌های سیاسی - اقتصادی میان قدرت‌های بزرگ و سایر کشورهای کوچک‌تر تبدیل می‌کند. در این میان باید توجه داشت که در عصر جهانی شدن و همگرایی کشورها با مکانیسم‌های مختلف، سازمان‌های بین‌المللی و مجامع جهانی، می‌توانند کانالی بسیار با اهمیت جهت انتقال ایده‌های یک کشور به سایرین باشند. لذا حضور فعال در این نهادها می‌تواند قدرت چانه‌زنی و درک متقابل کشورها را بالا برده و سوء تفاهمات میان آنان را کاهش دهد.

از سوی دیگر سیاست خارجی کشورهای کوچک و به‌ویژه کشورهای جهان سوم در تعامل با سازمان‌های بین‌المللی معمولاً رویکردی تجدیدنظرطلبانه، انقلابی، بدبینانه و تقابل‌گرایانه بوده است زیرا که آنان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را صرفاً ابزار تداوم سلطه قدرت‌های بزرگ بر کشورهای خودشان می‌دانند. بنابراین، کشورهای جهان سوم همواره به دنبال اصلاح و تغییر در ساختار سازوکارهای بین‌المللی موجود در این سازمان‌ها هستند.



با وجود این، امروزه این کشورها نیز پذیرفته‌اند که ضرورت تعامل با سایر کشورها در نظام بین‌الملل و در فضای جهانی شدن، ایجاب می‌کند که تعامل مثبت، فعال و سازنده‌ای را با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی داشته باشند تا از این طریق بتوانند منافع و اهداف ملی و فراملی خود را تحقق بخشند.^(۴)

رویکرد و عملکرد نخبگان ایرانی در قبال سازمان‌های بین‌المللی (قبل و بعد از انقلاب)

نگرش و عملکرد نخبگان ایرانی در سال‌های مختلف نسبت به سازمان‌های بین‌المللی، متفاوت و تابعی از مؤلفه‌های داخلی و خارجی بوده است. در این زمینه در دوران پهلوی، رویکرد نخبگان ایرانی متأثر از شرایط نظام منطقه‌ای و بین‌المللی و اوضاع داخلی کشور، در راستای همکاری با سازمان‌های بین‌المللی تعریف شده بود. این مسئله به‌ویژه تحت تأثیر قطب‌بندی ساختار نظام بین‌الملل و جایگاه ایران به‌عنوان متحد استراتژیک غرب در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه سبب تقویت مشارکت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده بود. براین‌اساس ایران که از نخستین روزهای شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی، همواره سعی در ایفای نقش در شکل‌گیری و استمرار فعالیت این سازمان‌ها داشته و یکی از کشورهای اصلی دعوت شده به کنفرانس‌های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و یکی از اعضای اصلی جامعه ملل متحد بود، در دوران پهلوی اول، در چهار مورد قضیه انزلی (۱۹۲۰)، مسئله بحرین (۱۹۲۷)، اختلاف ایران و انگلیس بر سر قرارداد دادرسی (۱۹۳۲) و اختلافات مرزی با عراق (۱۹۳۴)، پرونده‌هایی در نهادهای جامعه ملل داشته و به‌عنوان نخستین کشور مسلمان از سپتامبر ۱۹۲۸ تا سپتامبر ۱۹۳۱ از خاورمیانه به عضویت شورای جامعه ملل درآمد^(۵). (لازم به ذکر است که با توجه به اینکه ایران به‌عنوان نخستین کشور مسلمان در مجمع عمومی جامعه ملل پذیرفته شده بود، مقرر شده بود که ایران به‌عنوان «نماینده عالم اسلام» در هیئت اجرائیه این سازمان عضویت داشته باشد).^(۶)

از سوی دیگر ایران در دوران پهلوی دوم، از بنیانگذاران سازمان ملل متحد بوده و در تدوین منشور آن نیز مستقیماً نقش داشت به‌گونه‌ای که گنجانیدن مفهوم «عدالت» و «حقوق بین‌الملل» در منشور، نتیجه همکاری ایران با چند کشور متفق‌النظر دیگر بود. در این زمینه، نقش مشخص‌تر ایران در منشور ملل متحد، در دو موضوع دیگر یعنی بند «۴» ماده (۲) منشور در مورد منع مداخله فراملی سازمان‌های بین‌المللی در امور داخلی کشورها و همچنین مسئله مخالفت ایران با نحوه اداره شورای امنیت و به‌ویژه حق وتو در هنگام تصویب منشور ملل متحد بود. علاوه بر این، ایران در این زمان، پرونده‌هایی در مورد عدم خروج نیروهای ارتش شوروی از ایران (۱۹۴۶)، ملی شدن صنعت



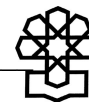
نفت (۱۹۵۱-۱۹۵۲)، موضوع جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس (۱۹۷۱)، پایمردی جمیله دبیرکل سازمان ملل متحد در استقلال بحرین (۱۹۷۰) و در برخوردهای مرزی ایران و عراق (۱۹۷۲) نیز در دستور کار سازمان ملل متحد داشته است. همچنین ایران در این دوره، تنها عضویت غیردائم شورای امنیت خود را در دهه ۵۰ میلادی (۱۹۵۵-۱۹۵۶) تجربه کرد.

ازسوی دیگر ایران در سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگری مانند پیمان سنتو، سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، سازمان کشورهای صادرکننده نفت، سازمان همکاری اقتصادی، سازمان کنفرانس اسلامی و ... نیز حضور داشته است.^(۷)

باوجوداین، با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، رویکردهای نخبگان ایرانی به سازمان‌های بین‌المللی در دوره‌های مختلف، سبب موضع‌گیری‌های متفاوتی در قبال آنان شده است. در واقع نگرش نخبگان اجرایی به سازمان‌های بین‌المللی متأثر از نگرش‌های ذهنی و ارزش‌گذاری‌های خاص آنان به این سازمان‌ها شکل گرفته و این مسئله سبب شده است که تعامل ایران و این سازمان‌ها همواره در نوسان باشد. در این زمینه، رویکرد و عملکرد نخبگان ایرانی در دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران متغیر بوده و از نگرش واگرایانه، بدبینانه و تقابل‌گرا نسبت به سازمان‌های بین‌المللی، به سمت رویکرد همگرایانه، مشارکت‌گرایانه و تلاش برای حضور و نقش‌آفرینی در این سازمان‌ها تغییر کرده است. براین اساس تحول رویکرد سیاست خارجی ایران به سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان در پنج دوره زیر مورد بررسی قرار داد.

الف) تداوم روابط رسمی محدود با سازمان‌های بین‌المللی (بهمن ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی، یک نگرش عموماً منفی و بدبینانه نسبت به جهان خارج و از جمله سازمان‌های بین‌المللی در میان اکثر نخبگان اجرایی وجود داشت به‌گونه‌ای که آنان سازمان‌های بین‌المللی را ساخته دست قدرت‌های بزرگ و ابزار سلطه آنان بر ملل دیگر می‌دانستند که هیچ انتظار اقدامی توسط آنان به نفع ملل ضعیف وجود ندارد. براین اساس همواره بر ماهیت استکباری سازمان‌های بین‌المللی تأکید می‌شد.^(۸) چنانچه امام خمینی (ره) در این زمینه تأکید داشتند که «این مجلس‌های کذا که در دنیا درست شده است و به‌دست قدرتمندها درست شده است و لهذا حق و تو دارند همه از آن قدرتمندها، اینها همه بازی است برای بلعیدن ماها، این یک مانور سیاسی است که با آن ماها را اغفال کنند و ماها را بلعند».^(۹) ایشان در این زمینه در رابطه با نقش شورای امنیت در تأمین منافع غرب نیز فرمودند: «غرب همین است که شما ملاحظه می‌کنید که این‌طور جنایت می‌کنند... به حرف مظلوم گوش نمی‌دهند. نمی‌گذارند که شورای امنیت تشکیل شود. پول‌های ایران را مثل دزدهای سرگردنه غارت می‌کنند، توقیف می‌کنند، غرب وضعیتش این است و این سازمان‌هایی



هم که درست کرده‌اند برای خودشان همه منفعت غرب است، هیچ برای مظلوم‌ها نیست، شاید شما در طول این مجالسی که اینها درست کرده‌اند یک جایی پیدا نکنید که اگر آمریکا یا آن دیگران که قدرت‌شان زیاد است منافعش با یک مملکت ضعیفی تصادم پیدا بکند، اینها یک کاری برای شاه کرده باشند... اینها همین است که یک وقتی منافع بزرگ‌ها یک چیزی بکنند، اینها برایش به نفع بزرگ‌ها فعالیت بکنند، حفظ بکنند و یک کلاهی هم سر ما بگذارند که یک همچون مجالسی هست، شورای امنیت هست و سازمان ملل هست و این یک چیزهایی است که برای ماها درست کردند و ما را می‌خواهند بازی بدهند و ما هم بازی می‌خوریم».^(۱۰) براین اساس اکثر نخبگان حاکم در مراحل اولیه، به پیشبرد منافع در قالب سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی اعتقادی نداشتند. باوجود این برخی از نخبگان اجرایی کشور به‌ویژه در دولت موقت تلاش داشتند تا در چارچوب قوانین بین‌المللی موجود حرکت کرده و روابط گذشته ایران با سازمان‌های بین‌المللی را به‌صورت محدود ادامه دهند. لذا در این دوره، ایران به نهضت عدم تعهد پیوست و روابط خود با سازمان کنفرانس اسلامی را نیز در قالب گذشته ادامه داد (اگرچه در رابطه با برخی از این سازمان‌ها مانند کنفرانس اسلامی، بی‌علاقگی ایران نسبت به تداوم حضور در این سازمان به حدی بود که در کنفرانس عمان تهدید کرد که در صورت نارسایی و ضعف قطعنامه‌ها از این سازمان خارج خواهد شد).

ب) تنش، مواجهه و مقابله با سازمان‌های بین‌المللی (از آبان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷)

با تصرف سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ و سپس استعفای دولت موقت، دوره جدیدی از تعامل ایران با سازمان‌های بین‌المللی آغاز شد. در این دوره، به‌دلیل تسلط رویکرد آرمان‌گرایانه و بدبینانه نسبت به غرب و سازمان‌های بین‌المللی و تأکید بر سیاست خارجی مردم‌گرایانه و ملت‌محور، روابط ایران با بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی با تنش، مواجهه و مقابله همراه بود. به‌گونه‌ای که مثلاً:

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری به درخواست دولت آمریکا علیه ایران در موضوع تصرف سفارت آمریکا در تهران تشکیل جلسه داد؛ اما ایران از حضور در این جلسه خودداری کرد و تنها وزیر امور خارجه کشورمان در دو نامه خطاب به رئیس دیوان، خواستار عدم رسیدگی به این قضیه از سوی دیوان شد. از سوی دیگر حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد صدور قرار موقت و درخواست آزادی گروگان‌های آمریکایی صادر شد و ایران آن را نپذیرفت. همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری ایران را در موضوع تصرف سفارت آمریکا محکوم کرد؛ اما ایران از حضور در جلسات دادرسی خودداری کرده و از طرح دعاوی خود یا طرح دعاوی متقابل علیه آمریکا اجتناب کرده و به رأی دیوان نیز توجهی نکرد. لذا با عدم حضور ایران در جریان رسیدگی به دعوی آمریکا علیه ایران، خود به‌خود اقدامات غیرقانونی آمریکا در ۴۵ سال گذشته و به‌ویژه اقدام



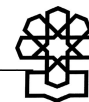
نافرجام نظامی آن در صحرای طبس نیز طرح نگردید.

۲. شورای امنیت به درخواست آمریکا قطعنامه‌ای علیه ایران در موضوع تصرف سفارت آمریکا در دستور کار قرار داد (که البته به دلیل وتوی شوروی به تصویب نرسید؛ اما با موافقت ۱۰ عضو آن همراه بود).^(۱۱)

۳. شورای امنیت مواضع جانبدارانه‌ای در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اتخاذ نمود (و این مسئله یکی از مهمترین عوامل رویگردانی ایران از سازمان‌های بین‌المللی بود) باوجوداین، بی‌توجهی ایران به سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت و همچنین تداوم برتری عراق در صحنه جنگ تا سال ۱۳۶۱ موجب شد که این شورا، بیش از ۲۰ ماه در قبال جنگ تحمیلی ساکت باشد و لذا هیچ‌گونه جلسه‌ای تشکیل نداد. (لازم به ذکر است که در طول جنگ تحمیلی، ایران علی‌رغم اینکه به‌لحاظ ماهیتی با شورای امنیت مشکل داشت اما از تلاش‌های میانجیگرانه دبیرکل سازمان ملل همواره حمایت کرده و هیچ‌گاه مانع حضور نمایندگان دبیرکل جهت مسافرت به ایران نمی‌گردید. به‌علاوه ایران نامه‌نگاری‌های متعددی در طول جنگ با دبیرکل سازمان ملل متحد داشت؛ اما باوجوداین و در مجموع، شورای امنیت نقش مثبتی در حل و فصل جنگ نداشت و هیچ‌گاه حاضر به تعیین و تنبیه متجاوز نشد و حتی ساختار قطعنامه ۵۹۸ به‌گونه‌ای تنظیم شد که نوعی توازن و تعادل میان متجاوز و قربانی برقرار شود).^(۱۲)

۴. سازمان‌های فرامنطقه‌ای مانند کنفرانس اسلامی علی‌رغم تلاش‌های فراوان آنان برای رفع اختلاف ایران و عراق در جنگ تحمیلی به دلیل حمایت صریح برخی از اعضای قدرتمند آنان، اکثراً روند حمایت‌گرایانه یا ملاحظه‌کارانه‌ای در مورد مسئله تجاوز و عدم توجه به تعیین مرزهای بین‌المللی میان ایران و عراق داشتند. بر این اساس، رویکرد نخبگان ایرانی به این سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان کنفرانس اسلامی نیز به‌گونه‌ای بود که آن را سازمانی ارتجاعی می‌دانست که سران دولت‌های غیرمشروع عربی به‌عنوان عاملان آمریکا در آن اکثریت دارند و لذا انتظار هیچ کمکی از این سازمان وجود ندارد.

۵. برخی از سازمان‌های فرامنطقه‌ای مانند اوپک نیز در این دوره، سیاست‌های مقابله‌جویانه‌ای در قبال ایران (به‌ویژه در طی جنگ تحمیلی) داشته و به دنبال مقابله با افزایش تأثیرگذاری ایران در این سازمان بودند (ایران نیز در این دوره علی‌رغم حضور در این سازمان‌ها، توجه چندانی در راستای افزایش حضور و مشارکت فعال نداشت اگرچه در برخی از این سازمان‌ها مانند سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای، به دلیل وقوع جنگ، محاصره اقتصادی و تحمیل انزوای سیاسی از سوی کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا علیه ایران، همکاری‌های محدود و رسمی تداوم یافته و از انحلال این سازمان‌ها یا خروج ایران از آنان جلوگیری شد).



در مجموع، در دوره هشت‌ساله جنگ تحمیلی، با توجه به شرایط ابتدای انقلاب، اکثر نهادهای بین‌المللی از سوی ایران مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند و به دلیل ناعادلانه خواندن و ابزار استکباری دانستن آنها، اقدامی در جهت تعامل مثبت با آنها صورت نمی‌گرفت. در این مقطع حتی تعاملات ایران با سازمان ملل نیز کم‌رنگ و با بی‌اعتمادی کامل صورت می‌پذیرفت. بنابراین با عدم توجه به سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل در دوره جنگ، عراق با نهایت استفاده از این سازمان‌ها، عملاً موجب شد که خواسته‌ها و شکایات به حق ایران در مورد مسائلی از جمله استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مطرح نشود.

از سوی دیگر مشکل دیگری که در تعامل ایران با سازمان‌های بین‌المللی در اوایل انقلاب وجود داشت جرح و نقد مجلس نسبت به معاهدات بین‌المللی (همانند رفتار آن در قبال لایحه‌های دولتی) بود. براین اساس با توجه به شرایط آن دوره، اکثر سازمان‌های بین‌المللی از آینده روابط خود با ایران بیمناک بودند. در این زمینه، سازمان بین‌المللی کار از اولین سازمان‌هایی بود که در برابر ایران موضع‌گیری شدید و تندی داشت.

آنها ایران را جزء یکی از کشورهای پشت چراغ قرمز می‌دانستند و قوانین و مقررات کار در ایران را با استانداردهای بین‌المللی منطبق نمی‌دانستند. در این زمینه ایران نیز علاقه چندانی به رفع شبهات نداشت و تصور می‌کرد که نیازی به چنین کارکردی نخواهد داشت.^(۱۳)

بنابراین به‌طور کلی در این دوره هدف عمده ایران، عمدتاً معطوف به رساندن پیام انقلاب به گوش ملت‌های مسلمان، وحدت جهان اسلام و مبارزه همه‌جانبه با استکبار جهانی و در مواردی جلب حمایت سیاسی کشورهای جهان از مواضع ایران در ارتباط با جنگ یا جلوگیری از تصویب قطعنامه به نفع عراق و به ضرر ایران بود.

با این وجود ایران از سال ۱۳۶۷ سیاست نفی کامل سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل را پشت سر گذاشت و با سیاست پذیرش مشروط این سازمان‌ها و به‌ویژه شورای امنیت (یعنی عدم مخالفت و عدم تبعیت کامل از آن)، فشار بین‌المللی بر ایران به سبب بی‌اعتنایی به قطعنامه‌های این شورا را کاهش داد. در واقع این مسئله نشان‌دهنده تحول نگاه ایران به سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت به‌منزله ابزارهای حداقلی جهت تأمین منافع ملی بود. به‌گونه‌ای که در جریان سرنگونی هواپیمایی مسافربری ایران توسط آمریکا، ایران بلافاصله موضوع را به شورای ای‌کائو منعکس کرد و خواستار محکومیت آمریکا گردید. در این زمینه، ایران در اعتراض به نظر شورای ای‌کائو که محکومیت آمریکا را به دنبال نداشت در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوا کرد. همچنین ایران برای اولین بار پس از گذشت هشت سال از جنگ، طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت خواستار تشکیل جلسه فوری این شورا برای رسیدگی به جنایات آمریکا شد.^(۱۴)



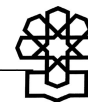
ج) همگرایی و همزیستی ایران و سازمان‌های بین‌المللی (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)

با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی، دیدگاه عموماً منفی ایران به سازمان‌های بین‌المللی تغییر کرده و جای خود را به تعامل و توجه به سازمان‌های بین‌المللی داد. در این دوران این عقیده در میان نخبگان ایرانی حاکم گشت که می‌توان از طریق حقوق بین‌الملل به منافع ملی دست یافت. در واقع استراتژی انتقادی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی جای خود را به تعامل انتقادی و در موارد متعددی به همکاری داد و با فروپاشی نظام دوقطبی، پایان جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی و سازندگی و نیاز به تعامل با جهان خارج و مبارزه با تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، تعاملات با نهادهای بین‌المللی و خصوصاً منطقه‌ای سرعت گرفت. به عبارت دیگر، این خط‌مشی ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی همان الگوی تشنج‌زدایی در سیاست خارجی ایران در قبال همسایگان و تلاش برای مصالحه و همزیستی و بهبود مناسبات با سایر دولت‌ها بود. بنابراین در این دوره ارتباط ایران با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای گسترش یافت، تصمیمات و توصیه‌های شورای امنیت به‌ویژه در بحران جنگ دوم خلیج فارس مورد تأیید ایران قرار گرفت و به‌طور کلی قواعد و اصول بین‌المللی مورد پذیرش ایران بود. همچنین ایران به دنبال ایجاد روابط مستحکم‌تر با سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برآمد علاوه بر این روابط ایران و نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل گسترش یافت.^(۱۵)

از سوی دیگر روابط ایران با سازمان‌های فرامنطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی نیز متحول شد و تلاش گردید تا در پرتو جلسات، کنفرانس‌ها و اجلاس‌های این سازمان‌ها، روابط متقابل گسترش یابد به‌گونه‌ای که مثلاً رئیس‌جمهور ایران در اجلاس ششم سران کشورهای اسلامی، برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شرکت کرد و در این اجلاس، ایران به‌عنوان میزبان هشتمین اجلاس سران سازمان برگزیده شد. همچنین ایران نمایندگی دائمی نزد سازمان کنفرانس اسلامی تأسیس کرد و معوقه‌های حق عضویت خود را پرداخت کرده و حضور و فعالیت‌های خود را در نشست‌های تخصصی سازمان گسترش داد چنانچه در بحران‌هایی مانند بوسنی و هرزگوین نیز فعالیت جدی‌ای را پیگیری نمود.^(۱۶)

علاوه بر این، ایران در این دوره در سازمان‌های منطقه‌ای مانند اگو نیز فعالیت خود را گسترش داده و در طول دهه ۱۳۷۰ به بعد به‌عنوان یک کشور فعال و نقش‌آفرین در این سازمان فعالیت نمود به‌گونه‌ای که این سازمان نه‌تنها کارکردهای اقتصادی بلکه کارکردهای سیاسی و امنیتی قابل توجهی برای ایران داشت و از این سازمان برای مقابله با تلاش غرب و به‌ویژه آمریکا در انزوای ایران استفاده شد.^(۱۷)

با این وجود، اگرچه در این دوره سیاستگذاران خارجی ایران تلاش نمودند تا از سازمان‌های



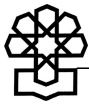
بین‌المللی که عمدتاً در جهت تأمین منافع قدرت‌های بزرگ شکل گرفته بودند، به‌صورت حداقلی در جهت تأمین منافع ملی بهره‌برداری کنند؛ اما در طول این دوران نیز به دلایل متعدد اعم از نبود سیاستگذاری دقیق و مشخص، ضعف کارشناسی و نبود طرح‌ها و برنامه‌های مشخص، ایران نتوانست آن‌گونه که در شأن جمهوری اسلامی ایران بود از این سازمان‌ها بهره‌برداری کند به‌گونه‌ای که حتی ایران نتوانست هیچ مسئولیت اجرایی در سطوح بالای سازمان‌های فرامنطقه‌ای مانند اوپک و سازمان کنفرانس اسلامی به‌دست آورد.

د) نقش‌آفرینی محدود در سازمان‌های بین‌المللی (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴)

رویکرد نخبگان ایرانی به سازمان‌های بین‌المللی در این دوره متأثر از سیاست خارجی تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها، در راستای اتخاذ سیاستی فعال و حضور منطقی و تبیین مواضع اصولی ایران در سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین گردید. براین‌اساس در این دوره ایران به دنبال حضور و مشارکت فعال در فرایند هنجارسازی بین‌المللی برآمده و ادغام ایران در نظام بین‌المللی در سطوح دوجانبه و چندجانبه شدت یافت. چنانچه در این دوره، مجمع عمومی سازمان ملل با پذیرش طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها و تعیین سال ۲۰۰۱ به این نام، عملاً نقش جدیدی را در جامعه بین‌الملل برعهده ایران گذاشت. این مسئله همچنین نشان‌دهنده حضور فعال‌تر ایران در سازمان‌های بین‌المللی بود.

از سوی دیگر برگزاری موفقیت‌آمیز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران، پیشنهادها و ارتباط با اصلاح ساختار سازمان ملل متحد (و برگزاری کنفرانس بین‌المللی در این زمینه در تهران)، حضور فعال ایران در اجلاس‌ها و کنفرانس‌های سازمان ملل، همراهی با سیاست‌ها و اقدامات شورای امنیت در منطقه و در نظام بین‌الملل، گسترش ارتباطات میان ایران و دبیرکل سازمان ملل متحد و چندین سفر رسمی دبیرکل به ایران و حضور رئیس‌جمهوری ایران در مجمع عمومی سازمان ملل نیز نشان‌دهنده تحرک دیپلماتیک ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی بود. همچنین افزایش عضویت ایران در ارکان سازمان ملل و کمیته‌ها و مجامع بین‌المللی و از جمله عضویت ناظر در سازمان تجارت جهانی و اتحادیه عرب، گسترش تعاملات ایران و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه سازمان کشورهای اسلامی، اوپک، جنبش عدم تعهد، اتحادیه عرب، اکو نیز نمایانگر تقویت جایگاه ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود.^(۱۸)

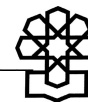
با این وجود، با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و تغییر فضای نظام بین‌الملل و گسترش یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا، روابط ایران و سازمان‌های بین‌المللی نیز با چالش مواجه شد و از تحرک وسیع سیاست ایران در این نهادها و مجامع بین‌المللی کاسته شد. چنانچه تعاملات



ایران و آژانس انرژی اتمی با مشکلاتی روبرو شد و تحمیل سیاست‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و بالتبع آن سیاست قدرت‌های بزرگ بر ایران تشدید گردید. براین اساس، نقش آفرینی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر از شرایط جدید نظام بین‌الملل و به‌ویژه تحولات منطقه خاورمیانه و حمله آمریکا به افغانستان و عراق و موضوع جنگ با تروریسم بسیار محدود گردید. این مسئله نشان‌دهنده عدم عمق استراتژی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و عدم امکان به‌کارگیری لابی‌های فعال و مؤثر برای حفظ منافع ملی کشورمان در این نهادهای بین‌المللی در پرتو تحولات جدید منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در واقع اگرچه ایران در خلال سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ توانسته بود همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی را گسترش داده و سیاست‌های مؤثری را در قبال سازمان‌های بین‌المللی انجام دهد؛ اما در خلال سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ تحت تأثیر فضای نظام منطقه‌ای و بین‌المللی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از حضور و مشارکت نسبی و محدود ایران در مجامع جهانی کاسته شد.

ه) چالش، تنش و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی (۱۳۸۴ تاکنون)

با آغاز فعالیت دولت نهم، روند استفاده از سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از تریبون این سازمان‌ها جهت اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران و حضور مؤثر در آنها شدت گرفت. این مسئله به‌ویژه با توجه به اصول دیپلماسی جدید ایران (مانند عبور از سیاست منفعلانه، قرار گرفتن در جایگاه مدعی و نه متهم در نظام بین‌الملل، تقابل با نظام سلطه و زور بین‌المللی و تأکید بر عدالت‌محوری، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و برقراری ارتباط مستقیم با ملت‌ها، عدم عقب‌نشینی از حقوق ملت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها) تشدید شد. چنانچه در این زمینه حضور مکرر رئیس‌جمهور در اجلاس‌های مجمع عمومی سازمان ملل، اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس، اجلاس دوربان ۲ و اجلاس سازمان‌های فرامنطقه‌ای دیگری مانند سازمان کنفرانس اسلامی، شانگهای، جنبش عدم تعهد و ... نشانه تحرک و پویایی سیاست خارجی ایران در نهادهای بین‌المللی بود و به تقویت همکاری ایران و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کمک کرد.^(۱۹) براساس این تحرک دیپلماتیک در این دوره، ایران میزبان اجلاس سران اگو و نشست وزرای امور خارجه عدم تعهد بوده و حمایت مکرر ۱۱۸ کشور عدم تعهد در مسئله هسته‌ای را به‌دست آورد. از سوی دیگر ایران حضور فعالی در سازمان کنفرانس اسلامی داشته و بیش از ۱۴ قطعنامه پیشنهادی ایران به تصویب این سازمان رسید. همچنین ایران مسئولیت‌های بین‌المللی‌ای مانند معاونت دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، دبیرکلی مجمع مجالس آسیایی، ریاست اجرایی برنامه عمران ملل متحد و صندوق جمعیت سازمان ملل، ریاست بعدی گروه ۸ و اتحادیه کشورهای حاشیه



اقیانوس هند و ... را به دست آورد. از سوی دیگر در این دوره، ایران به عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای به عنوان نخستین پیمان سیاسی - امنیتی و اقتصادی پس از انقلاب دست یافت. همچنین طرح بنای تشکیل سازمان همکاری کشورهای صادرکننده گاز (اوپک گازی) نیز با ابتکار و پیگیری ایران به ثمر رسید.^(۲۰) با این وجود علی‌رغم این‌گونه تعاملات ایران و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط ایران و مجامع و نهادهای بین‌المللی در این دوره عمدتاً با چالش‌های بسیاری نیز همراه بود. به‌گونه‌ای که:

- پرونده هسته‌ای ایران علی‌رغم همکاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب طرح مدالیته، لاینحل باقی‌مانده و به شورای امنیت ارجاع شد و شورای حکام آژانس انرژی اتمی، رویکرد دوگانه‌ای درخصوص برنامه هسته‌ای ایران اعمال نمود که سیاست‌های تنش‌زدایی ایران در این زمینه را ناکام گذارد. همچنین ایران از نامزدی عضویت در شورای حکام آژانس انرژی اتمی انصراف داد.

- شورای امنیت، پنج قطعنامه علیه پرونده هسته‌ای ایران صادر کرد. قطعنامه ۱۶۹۶ در چارچوب بند «۴۰» فصل ۷ منشور و قطعنامه‌های ۱۷۳۵، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ در چارچوب بند «۴۱» منشور ملل متحد.

- ایران از کسب کرسی غیردائم عضویت در شورای امنیت سازمان ملل محروم ماند. در این زمینه ایران تنها توانست ۶/۱ آرای اعضای مجمع عمومی (۳۲ رأی از ۱۹۲ رأی) را به دست آورد.

- اگرچه ایران حمایت کشورهای عدم تعهد و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را در سیاست‌های اعلامی آنان در قبال ایران به دست آورده بود؛ اما برخی از این کشورها (مانند هند، آفریقای جنوبی، قطر و ...) در سازمان‌های بین‌المللی، در قطعنامه‌های ضد ایرانی مشارکت داشتند.

- حاشیه‌های حضور رئیس‌جمهور ایران در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس و به‌ویژه بیانیه پایانی آن در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی و عدم تحقق پیشنهادهای ایران در این اجلاس تنها نمایانگر نمایشی و تبلیغاتی بودن حضور ایران در این سازمان بود.

- ناکام بودن ایران در تلاش برای تشکیل نشست سران کشورهای اسلامی در جنگ غزه نشان‌دهنده واگرایی تعاملات ایران و سازمان کنفرانس اسلامی و به‌ویژه کشورهای اصلی و قدرتمند آن و ضعف توان سازماندهی و لابی‌گری ایران در این سازمان بود (که در نهایت نیز اجلاسی توسط قطر تشکیل شد).

- احترام و شأن و منزلت کشورمان در برخی از اجلاس‌های سازمان‌های بین‌المللی (و به‌ویژه دوربان ۲) رعایت نشد.

- سیاست ایران در مورد مبارزه با صهیونیسم و طرح مسئله هولوکاست توسط ایران، در



سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری نشد. در این زمینه ایران نتوانست از توان خود در این سازمان‌ها برای مقابله با فعالیت‌های اسرائیل اقدام مؤثری انجام دهد. به‌گونه‌ای که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای در مورد هولوکاست با اجماع و حمایت ۱۰۴ کشور مصوب گردید و روز ۲۷ ژانویه به نام یادبود قربانیان هولوکاست، روز جهانی یادمان هولوکاست نامیده شد. همچنین در سازمان یونسکو نیز آموزش موضوع هولوکاست به‌عنوان بخشی از کتب نظام آموزشی کلیه کشورها به تصویب رسید.

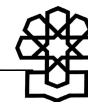
• اگرچه ایران در این دوره توانست برخی مسئولیت‌های بین‌المللی را در مجامع و نهادهای بین‌المللی به‌دست آورد؛ اما از برخی دیگر از حقوق مسلم خود مانند دبیرکلی اوپک بازماند. همچنین علی‌رغم حضور و مشارکت ایران در برخی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش آن برای تشکیل سازمان‌هایی مانند اوپک گازی، ایران به‌عنوان مقر اصلی این سازمان تعیین نگردید.

• اگرچه مواضع ایران در قبال بحران‌های منطقه‌ای و به‌ویژه مسئله فلسطین همواره پیش‌تاز بوده است؛ اما ایران هرگز نتوانسته است از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی برای تصویب قطعنامه‌ای در این خصوص استفاده کند. این مسئله در اوج بحران‌هایی مانند جنگ غزه کاملاً آشکار بود.

به هر تقدیر، در مجموع در این دوره روابط ایران و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با تنش و چالش‌های بسیاری همراه بود و چندین قطعنامه و بیانیه توسط این سازمان‌ها علیه ایران صادر گردید. علاوه بر این، نگاه ایران به این سازمان‌ها تنها به‌عنوان تریبونی برای اعلان مواضع و سیاست‌های ایران بوده و اقدام عملی و مؤثری در نهادینه‌سازی حضور ایران و افزایش توان هنجارسازی آن در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی صورت نگرفت. بنابراین با عدم توجه به روح حاکم بر این سازمان‌ها (قدرت‌محوری آن و ضرورت لابی‌گری و افزایش توان مشارکت و حضور فعال در آن)، ایران به‌جای شرکت در چانه‌زنی‌های سیاسی، تنها با رویکردی حقوقی به انتقاد از امور پرداخت و از عدالت در عرصه روابط بین‌الملل صحبت کرد. بنابراین ایران از امکانات مناسبی در سطح سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار نشد و در سیاستگذاری‌های این سازمان‌ها و به‌ویژه در روند ساخت سیاست این سازمان‌ها و جلب نظر اکثریت اعضای آن موفق نبود؛ لذا در شرایط کنونی میزان تأثیرگذاری ایران در این سازمان‌ها در حد مطلوب و مناسب نمی‌باشد.

چالش‌ها و موانع حضور فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی

تاریخ کهن ایران در تجارت، فرهنگ و ارتباطات بین‌الملل و نقش آن به‌عنوان عضو مؤسس و نیروی محرکه برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند جامعه ملل، سازمان ملل و توانمندی‌های بالقوه بسیار آن در همکاری برای تعیین دستور کارهای جهانی (مانند نقش رهبری منطقه، عامل کلیدی صلح و ثبات



در خاورمیانه نیروی محرکه همکاری‌های جنوب - جنوب و... با نقش و جایگاه کنونی و نوع تعاملات آن با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همخوان و هماهنگ نیست. به عبارت دیگر ایران علی‌رغم سابقه زیاد عضویت و فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی، نتوانسته است در سازمان‌های بین‌المللی جایگاه شایسته‌ای به دست آورد. براین اساس این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی مانع حضور فعال ایران در این سازمان‌ها شده است؟ در این میان، برخی از مهمترین موانع و چالش‌های حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از:

۱. نگرش نخبگان اجرایی به سازمان‌های بین‌المللی: انقلاب اسلامی ایران به مثابه نقطه عطفی در نظام بین‌الملل، در صدد دگرگون کردن قالب‌های متأثر از الگوهای عام غربی و ارائه ارزش‌های نوین در سطح جهانی بود. بر این اساس رویکرد نخبگان ایرانی به سازمان‌های بین‌المللی در ابتدا رویکردی مطلق‌نگر، بدبینانه و واگرایانه و مبتنی بر عدم تأیید ماهوی این سازمان‌ها بود. بر این اساس، روندی انزوای طلبانه نسبت به روندهای فراگیر بین‌المللی حاکم شد و سازمان‌های بین‌المللی تنها به عنوان ابزار سلطه قدرت‌های بزرگ بر سایر کشورهای ضعیف تلقی شد.

این مسئله متأثر از تجربه نخبگان ایرانی در مواضع این سازمان‌ها در قبال پیروزی انقلاب و تحولات پس از آن و به ویژه در جنگ تحمیلی و مواضع دوگانه یا سکوت این سازمان‌ها در این موضوع، تشدید شد. به گونه‌ای که عدم حضور در این سازمان‌ها و حتی مباحثی نظیر خروج از سازمان ملل و تخطئه شورای امنیت به منزله مجمع قدرت‌های بزرگ دارای حق وتو نیز مطرح شد.

با این وجود با گذشت زمان رویکرد نخبگان به سمت استفاده نسبی از این سازمان‌ها برای اعلان مواضع سیاست خارجی ایران و رساندن پیام انقلاب به گوش ملت‌های جهان تغییر کرد؛ اما تلاش مؤثری برای ارتقای جایگاه ایران در این سازمان‌ها جهت بهره‌مندی از پتانسیل‌های موجود در آنان و نهادینه‌سازی توانایی ایران در ایجاد هنجارها و قواعدی در راستای منافع ملی کشورمان صورت نگرفت. در این میان، مسلماً مواضع این سازمان‌ها در موضوعات دیگری مانند مسئله هسته‌ای ایران و ... نیز سبب افزایش بدبینی مقامات ایرانی به این سازمان‌ها شد.

۲. مخالفت قدرت‌های بزرگ و تلاش آنان برای کاهش نقش ایران در این سازمان‌ها: با پیروزی انقلاب ایران و تأکید آن بر نفی سلطه قدرت‌های بزرگ و حمایت از ملل مستضعف جهان و مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در به چالش کشیدن قواعد بازی موجود در نظام بین‌الملل، عکس‌العمل متقابلی از سوی قدرت‌های بزرگ علیه ایران در منطقه و در جهان و به ویژه در سازمان‌های بین‌المللی در راستای محدودسازی فعالیت بین‌المللی ایران آغاز شد. براین اساس در سال‌های پس از انقلاب، با لابی‌گری این کشورها، کمتر کارشناس ایرانی توانست در سازمان‌های بین‌المللی، مهم و تأثیرگذار یا دارای موقعیت بالای اداری و مدیریتی شود. لذا اعمال نفوذ و قدرت این کشورها یکی از موانع مهم

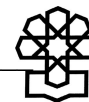


حضور فعال، مؤثر و نظام‌مند ایران در سازمان‌های بین‌المللی بوده است.

۳. **عدم توجه ایران به روندها و سازوکار فعالیت سازمان‌های بین‌المللی:** با توجه به اینکه ایران پس از انقلاب، مناسبات و سازوکارهای حاکم بر نظام بین‌الملل را غیرعادلانه و مبتنی بر منافع قدرت‌های بزرگ و نه در جهت منافع واحدهای سیاسی و به‌ویژه جهان در حال توسعه ارزیابی کرده است، بنابراین توجه کمتری به روندها و سازوکارهای حضور و تأثیرگذاری در سازمان‌های بین‌المللی داشته است. بر این اساس، کشورهای کوچک‌تری مانند کوبا علی‌رغم قدرت اقتصادی و سیاسی بسیار محدود، به دلیل تسلط فوق‌العاده نمایندگان سیاسی آن به آیین‌نامه‌های سازمان‌ها و توجه به بازی آیین‌نامه‌ای و چگونگی استفاده از روندها و سازوکارهای موجود برای تحقق اهداف و منافع ملی خود، نقش مؤثری نسبت به ایران در سازمان‌های بین‌المللی داشته‌اند و اگر دستور کار یا موضوعی برخلاف منافع ملی آنها باشد عملاً با استفاده بهینه از آیین‌نامه‌ها، موجب توقف آن دستور کار می‌شوند و با طولانی کردن روند رسیدگی موضوع، منافع خود را حفظ می‌کنند. بنابراین عدم توجه ایران به روند کار و چگونگی استفاده از سازمان‌های بین‌المللی، عملاً نه تنها مانع تحقق حضور حداکثری و مشارکت فعال ایران در این سازمان‌ها شد، بلکه امکان جلوگیری از فعالیت سایر کشورها علیه منافع کشورمان را نیز به وجود نیاورده است.

۴. **بحران چهره:** یکی دیگر از مهمترین موانع حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی، عدم وجود چهره مثبت و مؤثری از ایران در سازمان‌های بین‌المللی است. این مسئله متأثر از تبلیغات منفی قدرت‌های بزرگ و عدم اقدام مؤثر ایران برای ارائه تصویر واقعی و مثبتی از ایران در نظام بین‌الملل است. در واقع اگرچه تأکید ایران بر ضرورت گذار از وضعیت موجود به وضعیتی مطلوب یا عدم پذیرش برخی هنجارهای غرب‌گرایانه و سلطه‌جویانه سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در ارائه چهره‌ای از ایران به‌عنوان کشوری که سازوکارهای حاکم بر نظام بین‌الملل را بر نمی‌تابد و نظم موجود را به چالش می‌کشد، مؤثر باشد؛ اما حقیقت این است که ایران نیز در ائتلاف‌سازی میان کشورهای متفق‌النظر و مشترک‌المنافع با ایران در این موضوعات موفق نبوده است. بر این اساس با تلاش قدرت‌های بزرگ، ایران به‌تنهایی به‌عنوان ورودی آشوب‌ساز تیم بین‌الملل تلقی شده و تلاش‌های وسیعی برای محدودسازی نقش و جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد.^(۲۱)

۵. **فضای رقابتی حضور در سازمان‌های بین‌المللی:** با توجه به اهمیت روزافزون سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، امروزه کلیه کشورها به دنبال افزایش حضور و نقش‌آفرینی در این سازمان‌ها در راستای تحقق منافع ملی خود هستند؛ لذا هم‌اکنون این مسئله دیگر منحصر به قدرت‌های بزرگ نبوده و کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال رقابت با سایر کشورها برای



افزایش نقش و جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند. در این فضای رقابتی، ایران در کنار کشورهای دیگری مانند هند، چین، برزیل، کره جنوبی، آرژانتین، مالزی، مصر، ترکیه و عربستان باید در راستای افزایش جایگاه خود در این سازمان‌ها تلاش کند. بنابراین مسلماً در چنین فضای رقابتی، حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی با مشکلات و دشواری‌هایی روبرو است.

۶. عدم وجود برنامه‌ای معین و نظام‌مند برای افزایش حضور در سازمان‌ها: اگرچه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران براساس قانون برنامه سوم توسعه مکلف شده بود به منظور تنظیم روابط ایران و کشورهای جهان در مجامع بین‌المللی، به بررسی وضعیت موجود، ارزیابی عملکرد، ضرورت یا عدم ضرورت ادامه عضویت در سازمان‌های بین‌المللی یا کاهش سطح روابط و فعالیت‌ها بپردازد و تصمیمات مقتضی را اتخاذ کند و همچنین براساس برنامه‌های چهارم، سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز نیز موظف به حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و گسترش تعاملات ایران و سایر کشورها شده است؛ اما برنامه‌ریزی مدون و جامعی در این زمینه صورت نگرفته و این سیاست‌ها تنها در حد قوانین مکتوب باقی مانده است. در این میان اگرچه مسلماً فشارهای سیاسی و بین‌المللی بر نظام، مخالفت قدرت‌های بزرگ و ... نقش مهمی در محدود شدن فضای عمل ایران در سازمان‌های بین‌المللی به‌وجود آورده است؛ اما طرح جامع، منسجم و راهبردی و استراتژیکی برای گسترش حضور ایران در این سازمان‌ها تعیین نشده و هر دولت به مقتضای تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی یا گفتمان سیاست خارجی خود، رویکرد متفاوتی در این خصوص داشته است. این در حالی است که با تحلیل مقایسه‌ای وضعیت ایران و کشورهای دیگری مانند هند، چین، مالزی، ترکیه، عربستان، مصر و حتی قطر و بحرین در سازمان‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری وسیع آنان برای ارتقای حضور در این سازمان‌ها و به‌ویژه افزایش حضور نخبگان بومی آنان از سوی دولت متبوعشان نسبت به ایران کاملاً آشکار است.^(۲۲)

۷. آموزش نامناسب کارشناسان و نخبگان ایرانی در رشته‌های مرتبط و عدم استفاده از

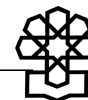
نخبگان مستعد: یکی از ضرورت‌های حضور فعال و مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی، وجود کارشناسان و نخبگانی است که شرایط و توانمندی حضور در این سازمان‌های بین‌المللی را داشته باشند تا بتوانند در راستای منافع ملی کشورمان نقش مؤثری در این سازمان‌ها ایفا کنند. در این میان متأسفانه اگرچه در سال‌های اخیر بر کمیت دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران افزوده شده است؛ اما یک خلأ علمی در زمینه مباحث سازمان‌های بین‌المللی در نظام آموزشی ایران وجود دارد. به‌گونه‌ای که تعداد واحدهای آموزشی مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی بسیار کم بوده و انتقادات بسیاری به محتوای آن، شیوه تدریس و ... وارد است و اطلاعات محدودی توسط مدرسان این دروس به دانشجویان ارائه می‌شود.



از سوی دیگر بسیاری از کادر دیپلماتیک ایران در خارج کشور و به‌ویژه در سازمان‌های بین‌المللی متأسفانه سلسله‌مراتب لازم ارتقا و کسب مسئولیت‌های دیپلماتیک را طی نکرده و مسئولیت‌های اجرایی دیپلماتیک معمولاً براساس منافع جناحی و حزبی توزیع شده و کمتر به شایسته‌سالاری و تخصص کارشناسان توجه می‌شود. بنابراین متأسفانه بسیاری از نخبگان اجرایی، کارشناسان و یا دیپلمات‌های ایران در خارج کشور و در سازمان‌های بین‌المللی، توانمندی علمی یا تجربه لازم را نداشته و در مواردی حتی توانایی مکالمه به زبان کشور میزبان یا تسلط بر زبان انگلیسی در سازمان‌های بین‌المللی را ندارند. بر این اساس مسلماً امکان لابی‌گری و جلب‌نظر سایر کشورها در خارج کشور یا در سازمان‌های بین‌المللی وجود نداشته و تنها صرف حضور یا اعلان محدود مواضع ایران، مهمترین فعالیت‌های کادر دیپلماتیک ایران در خارج از کشور است.

از سوی دیگر متأسفانه به‌دلیل عدم آموزش مناسب نخبگان ایرانی و در مواردی عدم حمایت دولت از برخی نخبگان مستعد موجود، امکان استفاده از نخبگان کنونی در مسئولیت‌های غیرسیاسی (اداری و اجرایی) سازمان‌های بین‌المللی نیز به‌وجود نیامده است. این در حالی است که معمولاً بسیاری از این سازمان‌ها، نیازمند کارشناسان اجرایی و حتی مترجمان بین‌المللی برای فعالیت‌های اجرایی خود می‌باشند. بنابراین تعیین برنامه‌ای مدون، جامع و بلندمدت در این زمینه یکی از ضروریات مهم برای افزایش حضور ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

۸. عدم استفاده از پتانسیل‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور: یکی از مهمترین سرمایه‌های هر کشور برای حضور مؤثر در نظام بین‌الملل، اتباع آن در سایر کشورها می‌باشند. در این میان وجود جمعیت چهار میلیونی ایرانیان خارج از کشور که عموماً افرادی متخصص و دارای مدارک تحصیلی بالایی هستند و به‌دلیل آشنایی با هنجارهای جامعه جهانی، امکان تأثیرگذاری بر آنان در راستای منافع کشورمان را دارند، یکی از مهمترین پتانسیل‌های مهم برای افزایش ارتقای جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. این مسئله می‌تواند از طریق جلب‌نظر آنان به‌واسطه تعلقات هویتی آنان و ایران صورت گرفته و لابی ایرانی مؤثری در خارج از کشور و به‌ویژه در سطح سازمان‌های بین‌المللی شکل گیرد. در این میان استفاده از تجربیات کشورهایمانند چین در استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل اتباع خود در خارج از مرزهای ملی مدل مناسبی برای تقویت تعاملات ایرانیان خارج از کشور با دستگاه دیپلماسی ایران می‌تواند باشد. لازم به ذکر است که در شرایط کنونی به‌دلیل عدم برنامه‌ریزی مدون و مؤثری در این زمینه، ایرانیان مهاجر در اکثر کشورها، عموماً فاقد یک اجتماع متنفذ، متداوم و سازمان‌دهی شده هستند و امکان استفاده از توانمندی‌های آنان وجود ندارد.^(۲۳) این در حالی است که با نگاه مقایسه‌ای به جمعیت محدود یهودیان در کشورهای مختلف و میزان نفوذ اسرائیل در سایر کشورها و چگونگی بهره‌مندی از



پتانسیل‌های یهودیان آواره، امکان، ضرورت و چگونگی استفاده از پتانسیل بالای ایرانیان خارج از کشور کاملاً آشکار می‌شود. در این میان اگرچه این استدلال که رویکرد و عملکرد ایرانیان خارج از کشور با ملاک‌ها و اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران سازگار نیست و امکان بهره‌گیری از لابی ایرانی در خارج از کشور وجود ندارد در مواردی صحیح است؛ اما متأسفانه برنامه‌ریزی جامع و مدونی برای سازمان‌دهی به ایرانیان مؤثر و هماهنگ با سیاست‌های نظام و به‌ویژه سیاست‌هایی که لزوماً مستلزم هماهنگی رویکرد ایرانیان خارج از کشور با نظام جمهوری اسلامی نیست (مانند نام خلیج فارس و ...) نیز صورت نگرفته است.

۹. عدم توجه به ظرفیت‌ها و فرصت‌های جدید در سازمان‌های بین‌المللی: یکی دیگر از موانع حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی، تداوم نگرش متأثر از جنگ سرد و تعاملات قدرت و امنیت‌محور در رویکرد و عملکرد نخبگان ایرانی در تعاملات آنان با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. این مسئله اگرچه تا حدودی متأثر از تداوم محیط تهدید امنیتی منطقه‌ای ایران و نظام بین‌الملل است؛ اما عدم توجه به فرصت‌های جدیدی که به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پس از جنگ سرد به‌وجود آمده است نیز مانعی در افزایش حضور ایران در این سازمان‌هاست. در این میان، نگرش نخبگان ایرانی هنوز هم متأثر از جنگ سرد، بیشتر بر فرایندهای سیاسی - امنیتی و تعامل با واحدهای ملی (به‌جای سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و استفاده از این سازمان‌ها به‌عنوان تربیونی برای اعلان مواضع کشورمان است و توجهی به فرصت‌ها و پتانسیل‌های جدید برای ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در سازمان‌های مختلف و هنجارسازی در حوزه‌های غیرسیاسی و غیرامنیتی نمی‌شود. به‌عبارت دیگر هنوز توجه جدی به رویکرد نرم‌افزاری برای افزایش جایگاه و نقش ایران در منطقه و در نظام بین‌الملل نشده است.

۱۰. عدم تمایل همسایگان، دوستان و متحدین ایران در نظام بین‌الملل به افزایش جایگاه ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: اگرچه مسلماً مسئله رقابت این کشورها با ایران و رویکرد متفاوت ایران و آنان به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از دلایل عدم تمایل آنان به حضور فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود، اما در این میان، اولاً همسایگان عرب ایران هرگز تمایلی ندارند که ایران در موضع برتری نسبت به آنان قرار گیرد و همواره مخالف نقش هژمونی ایران در منطقه هستند. براین اساس آنان با توجه به درک این مسئله که در صورت افزایش حضور ایران در سازمان‌های منطقه‌ای یا در اتحادیه امنیتی میان همسایگان، ایران به سرعت به موقعیتی هژمونی منطقه‌ای دست می‌یابد، هرگز خواهان حضور ایرانی قدرتمند نیستند. این مسئله متأثر از تعارضات هویتی ایرانی - عربی و شیعی - سنی، نگرش متفاوت آنان و ایران به تهدیدات



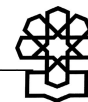
منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط آنان با قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه آمریکا و پیمان‌های متعدد سیاسی - امنیتی آنان و قدرت‌های بزرگ و ... تشدید می‌شود. ثانیاً در کشورهای دوست ایران نیز روسیه هیچ‌گاه در نظم تعریفی خود، جایگاه استراتژیکی را برای ایران قائل نبوده و در حساس‌ترین موقعیت‌ها همیشه خود را عقب کشیده است. به‌علاوه که روسیه نگران افزایش حضور ایران در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز بوده و لذا از همکاری منطقه‌ای با ایران یا افزایش نقش آن در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اجتناب می‌کند. در این میان چین نیز با نگرانی از به خطر افتادن موقعیت اقتصادی‌اش و اصطکاک سیاسی با آمریکا، رویکرد مناسبی در قبال افزایش حضور ایران در سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی و حتی سازمان شانگهای نیز نداشته است.^(۲۴)

تهدیدات عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

اگرچه امروزه، حضور در سازمان‌های بین‌المللی به‌دلیل اهمیت فرصت‌های عضویت در این نهادها و مجامع جهانی ضروری است با این وجود نباید نسبت به معایب و تهدیدات عضویت در آنها نیز بی‌توجه بود. (به‌خصوص که اگر این عضویت بدون تدبیر لازم در عواقب و مسئولیت‌های ناشی از آن صورت پذیرد). به‌طور کلی می‌توان چالش‌های ناشی از عضویت در معاهدات و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را که عملاً چیزی جز بخشی از طبیعت همکاری بین‌المللی نیست را به‌شرح ذیل مشخص کرد:

۱. ایجاد محدودیت برای کشور در حوزه فعالیت سازمان: سازمان‌های بین‌المللی علی‌رغم تسهیل روابط کشورها در حوزه فعالیت سازمان، محدودیت‌هایی را نیز در زمینه‌های مختلف برای کشورها ایجاد می‌کنند زیرا که هر معاهده بین‌المللی تلاش دارد تا بخشی از حاکمیت ملی کشور را به نهادی فراملی بسپارد؛ لذا در صورت عدم توجه کافی به تعهدات و محدودیت‌های ایجاد شده در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی، عضویت بدون تدبیر باعث به خطر افتادن منافع ملی خواهد شد. در عین حال همان‌طور که محدودیتی رفتاری در حوزه‌های خاص بر کشور تحمیل می‌شود، حقی قانونی نیز اعطا می‌گردد چنانچه عضویت ایران در برخی از سازمان‌ها مانند آژانس انرژی اتمی و پذیرش معاهده ان.پی.تی یا پذیرش معاهده سی.تی.بی.تی زمینه نظارت گسترده بر اماکن مختلف نظامی و غیرنظامی ایران را به‌وجود می‌آورد. در حالی‌که اسرائیل به بهانه عدم عضویت در این معاهدات و عدم تعهد حقوقی در این باره هرگز حاضر به پاسخگویی نیست.

۲. ایجاد تعهدات حقوقی برای کشور: عضویت در تمامی معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی، مسئولیت و تعهدات حقوقی لازم را برای کشور به‌وجود می‌آورد که بعضاً با توجه به اساسنامه این



سازمان‌ها قابل پیگیری در نهادهای حقوقی بین‌المللی بوده و می‌تواند حتی در مواردی به شکل ناخواسته کشور را درگیر قضایای حقوقی کند. به‌عنوان مثال اکثر معاهدات بین‌المللی در صورت بروز اختلاف در تفسیر و اجرای معاهده، آن را به دیوان لاهه جهت حل اختلاف ارجاع می‌دهد. از آنجایی که دیوان لاهه خود در مورد صلاحیتش تصمیم می‌گیرد، این مسئله می‌تواند در مواردی مشکل‌ساز شده و تعهداتی را برای کشور ایجاد کند که حداقل آن پرداخت غرامت است. از این‌رو می‌باید به برخی بندهای معاهدات و اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی با دقت نظر بیشتر توجه کرد و در موارد لازم از حق شرط استفاده کرد. این مسئله به‌ویژه در قبال سازمان‌های حقوق بشری معاهدات مرتبط با آن از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا که به‌دلیل مشکلات مبنایی اندیشه غربی حقوق بشر و اندیشه‌های اسلامی و عدم امکان تطابق کامل با آنان، پرونده‌هایی در مورد ایران در این سازمان‌ها تشکیل شده و ایران متهم به نقض قوانین مصرح این سازمان‌ها و تعهدات آنان شده است.

۳. تشدید فشارهای سیاسی ناشی از نقض معاهدات سازمان‌های بین‌المللی: در صورت عضویت و حضور در یک سازمان بین‌المللی، ایران موظف به رعایت تعهدات مرتبط با آن است. در این شرایط با نقض یک معاهده، علاوه بر آثار سیاسی نقض آن و بی‌اعتنایی به حقوق بین‌الملل، فشارهای سیاسی از سوی سایر کشورها بر ایران اعمال شده و وجهه منفی از ایران به سبب عدم انجام تعهدات مذکور در نظام بین‌الملل به‌وجود می‌آید. این مسئله به سبب اهمیت حیثیت بین‌المللی برای کشورها، هزینه‌های زیادی به‌همراه دارد. چنانچه هم‌اکنون در پرونده هسته‌ای ایران، علی‌رغم رعایت کلیه موازین موجود آژانس انرژی اتمی، همچنان فشارهای سیاسی بر ایران ادامه دارد.

۴. مشکلات و چالش‌های خروج از معاهده یا سازمان بین‌المللی: عضویت و حضور بدون سنجش دقیق شرایط و مسائل مربوط به سازمان‌های بین‌المللی سبب می‌شود در مواقع لزوم نتوانیم در صورت به خطر افتادن منافع ملی به آسانی از معاهده خارج شویم؛ زیرا که عموماً خروج یا تعلیق عضویت سازمان‌های بین‌المللی شرایط سخت و دشواری را داراست. بنابراین در صورتی که به دلیل عدم بررسی درست شرایط یک معاهده قصد خروج از آن را داشته باشیم مسلماً این امر به آسانی امکانپذیر نبوده و قطعاً به نفع کشور نخواهد بود. به‌عنوان مثال خروج از معاهده ان‌پی‌تی در موارد اضطراری سبب تحمیل هزینه‌های گزافی بر کشور می‌گردد.

۵. تبعات امنیتی عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی: حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی اگرچه از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و فرصت‌هایی را در اختیار کشورها قرار می‌دهد، اما این مسئله می‌تواند تبعات امنیتی خاصی نیز برای کشورها به‌دلیل مفاد یا روح معاهدات به دنبال داشته باشد. لذا ضروری است آثار امنیتی حضور در این معاهدات و سازمان‌ها



بر کشور بررسی شده و دقیقاً نسبت به تعهدات صورت گرفته آگاهی حاصل کرده و از ذهنیات بانیان معاهده به درستی مطلع شد، زیرا که در بسیاری موارد، قدرت‌های بزرگ درصدد کنترل رفتار سایر بازیگران در چارچوب سازمان‌ها و هنجارهای بین‌المللی هستند و سعی دارند در چارچوبی به ظاهر قانونی، خواسته‌های خود را به کرسی نشانند. بنابراین بررسی اهداف آشکار و پنهان بانیان این سازمان‌ها از اهمیت جدی‌ای برخوردار است.

بررسی مقایسه‌ای مشارکت ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای در سازمان‌های بین‌المللی

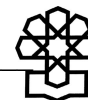
یکی از مهمترین راه‌های ارزیابی و آسیب‌شناسی سیاست خارجی کشورمان در قبال سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بررسی مقایسه‌ای چگونگی و میزان حضور و مشارکت ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای در این سازمان‌هاست. بر این اساس در اینجا به بررسی مشارکت ترکیه، عربستان، اسرائیل و ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازیم:

۱. ترکیه: در میان کشورهای منطقه خاورمیانه، ترکیه از موفق‌ترین کشورهای منطقه به‌لحاظ حضور در سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. این کشور نیز مانند ایران به‌دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی آن در حاشیه مناطق مختلفی در حوزه‌های خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، اوراسیا، شرق اروپا و بالکان، به دنبال افزایش حضور و مشارکت در مجامع و ائتلاف‌های بین‌المللی است. بر این اساس اگرچه ترکیه نیز مانند ایران یکی از کشورهای مسلمان شرکت‌کننده در سازمان‌های بین‌المللی و کشور غیرعرب خاورمیانه بوده که از ترتیبات شکل گرفته منطقه عربی به دور است؛ اما این کشور از سیاست مؤثرتری نسبت به ایران در راستای استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی بهره برده است. به‌گونه‌ای که:

- ترکیه برخلاف ایران توانست به عضویت غیردائم در شورای امنیت سازمان ملل برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۱۰ انتخاب شود.

- ترکیه تعاملات گسترده‌ای را با ناتو به‌عنوان سازمانی امنیتی - دفاعی از سال ۱۹۵۲ برقرار نموده و در این سازمان نیروی نظامی گسترده و عضویت دائم دارد. این در حالی است که ایران تنها در سال‌های اخیر (۲۰۰۵) به عضویت ناظر یک سازمان امنیتی - دفاعی (سازمان همکاری شانگهای) درآمده و در این سازمان نیز نیروی نظامی خاصی ندارد.

- اگرچه ترکیه در سالیان طولانی به تصمیمات برآمده از سازمان‌های بین‌المللی و مخصوصاً ناتو تن در داده است؛ اما در سال‌های اخیر که جایگاه منطقه‌ای آن تحکیم گردیده است، در مواردی سعی نموده که استقلال خود از این سازمان‌ها را حفظ کند و در عین حال آسیب چندانی هم نبیند. با

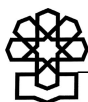


این وجود ایران علی‌رغم مشارکت گسترده در این سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان ملل و همراهی نسبی با تصمیمات این سازمان‌ها در مقایسه با ترکیه نتوانسته است مواضع چندانی در مواردی که تصمیمات مهمی علیه آن گرفته می‌شود اتخاذ نماید و در مواردی نیز از تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی آسیب‌های زیادی دیده است.

- ترکیه در موضوعات جهانی مانند تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و جرائم فراملی مورد ستایش سازمان‌های بین‌المللی، قرار گرفته است. این در حالی است که ترکیه اقدامات نظامی متعددی علیه مواضع پ.ک.ک داشته و تمایل خود، برای دستیابی به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای را اعلام داشته است. از سوی دیگر ایران در این موضوعات به‌عنوان یک بازیگر خاطی معرفی شده است. در حالی که ایران قربانی اقدامات تروریستی بوده و همکاری وسیعی با سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه آژانس انرژی اتمی داشته و حق عضویت فراوانی نیز همواره پرداخت نموده است.

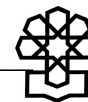
این شواهد نشان‌دهنده حضور فعال‌تر و فایده‌محورانه‌تر ترکیه نسبت به ایران در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است.^(۲۵) در این میان اگرچه مسلماً تفاوت رویکرد و عملکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه و نقش قدرت‌های بزرگ در محدودسازی مشارکت ایران و تقویت حضور ترکیه در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مؤثر و مهمی ایفا می‌کند. اما مسلماً امکان چانه‌زنی‌های سیاسی و استفاده از فرصت‌های موجود در راستای افزایش حضور در این سازمان‌ها نیز می‌تواند نقش بسیار مؤثری را ایفا کند.

۲. **عربستان سعودی:** یکی دیگر از کشورهای مهم و مؤثر در منطقه خاورمیانه که مانند ایران به دنبال افزایش حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است عربستان سعودی می‌باشد. در این میان عربستان مانند ایران با رویکرد رهبری جهان اسلام، به دلیل در اختیار داشتن مکان‌های مذهبی مسلمانان، درآمد بسیار بالا و حمایت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، به دنبال تقویت نقش و جایگاه خود در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. این مسئله اگرچه از دهه ۱۹۷۰ میلادی با اتخاذ استراتژی «میانجیگری و هماهنگی» میان اعراب پیگیری شده و تلاش‌های دیپلماتیک مهمی (مانند طرح فهد در سال ۱۹۸۱ برای مناقشه اعراب - اسرائیل، موافقت‌نامه طائف در سال ۱۹۸۹ در مورد حل بحران سیاسی لبنان و ابتکار ملک عبدالله برای صلح با اسرائیل در سال ۲۰۰۲) نیز صورت گرفته است؛ اما در شرایط کنونی و به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق و گسترش نفوذ ایران در منطقه، احیای قدرت شیعیان منطقه، توسعه برنامه‌های هسته‌ای ایران و مذاکرات ایران و آمریکا و ...، عربستان بر فعالیت‌های خود در راستای مقابله با افزایش قدرت و نفوذ ایران و شیعیان و تثبیت رهبری خود در منطقه افزوده است. بر این اساس، تلاش عربستان برای همگرایی جریان‌ها



فلسطینی، احیای ابتکار صلح عربی در اتحادیه عرب، ممانعت از تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و به‌ویژه سازمان کنفرانس اسلامی یا شورای همکاری خلیج فارس در حمایت از گروه‌های مقاومت اسلامی در جنگ‌های ۲۲ و ۳۳ روزه، نشان‌دهنده افزایش سیاست چندجانبه‌گرایی عربستان در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و میزان تأثیرگذاری آن در این نهادها بوده است.^(۲۶)

۳. اسرائیل: رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون به دنبال تعامل با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌مثابه ابزاری در راستای دستیابی به استراتژی‌های سیاست خارجی و امنیتی خویش بوده است. بر این اساس اگرچه پرونده اعراب و اسرائیل یکی از مهمترین موضوعات مورد بررسی در بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و اسرائیل به سبب سیاست‌های تهاجمی و نظامی‌گرایانه باید وجهه بسیار منفی در این سازمان‌ها می‌داشت و از حضور یا عضویت در آنان محروم می‌ماند، اما اسرائیل هم‌اکنون به عضویت بسیاری از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل درآمده و تعاملات قابل توجهی با اروپا دارد. این کشور همچنین از مه ۲۰۰۷ به عضویت آزمایشی در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه درآمده و یکی از اعضای گفت‌وگوی مدیترانه با ناتو و اتحادیه کشورهای حاشیه مدیترانه می‌باشد. علاوه بر این، علی‌رغم عدم عضویت دائم اسرائیل در گروه‌بندی‌های منطقه‌ای سازمان ملل، رژیم صهیونیستی به‌صورت موقت به عضویت گروه «اروپای غربی و دیگران» پذیرفته شده و درخواست عضویت غیردائم در شورای امنیت برای سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۰ را به سازمان ملل ارائه داده است.^(۲۷) به‌علاوه که در تعامل سازمان ملل و نهادهای مختلف آن با اسرائیل در قبال بحران فلسطین اکثر مواضع آنان به نفع اسرائیل بوده و نهادهای مختلف آن و به‌ویژه شورای امنیت در حل قضیه فلسطین ناموفق و ناکارآمد بوده‌اند. بر این اساس، موجودیت نامشروع اسرائیل و سیاست‌های نظامی‌گرایانه آنکه برخلاف قوانین مصرح بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است به مدت ۶۰ سال تداوم یافته و اسرائیل با افزایش مشارکت جدی در سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل درصدد گسترش نفوذ بین‌المللی برای غلبه بر بحران مشروعیت بین‌المللی و امنیتی خود بوده است. بنابراین ارزیابی عملکردهای غیرقانونی و خلاف هنجارهای بین‌المللی و عملکرد محافظه‌کارانه یا همکاری‌جویانه سازمان‌های بین‌المللی با اسرائیل، نشان‌دهنده موفقیت نفوذ، توان چانه‌زنی، لابی‌گری و استفاده از فرصت‌های موجود در سازمان‌های مذکور در راستای کسب اهداف و منافع ملی و مقابله با چالش‌ها و موانع بین‌المللی فرارو بوده است. در این زمینه با مقایسه سیاست‌های سازمان‌های حقوق بشری، آژانس انرژی اتمی، شورای امنیت و ... در قبال اسرائیل و ایران این نکته آشکار می‌شود که علی‌رغم همکاری جدی و گسترده ایران با این سازمان‌ها، مواضع آنان در قبال ایران کاملاً یکجانبه و بسیار شدید بوده است.



در مجموع با بررسی تطبیقی مشارکت ترکیه، عربستان و اسرائیل در سازمان‌های بین‌المللی و تلاش کشورهای مذکور برای گسترش، نقش و جایگاه خود در این نهادها و مجامع بین‌المللی و ظرفیت‌ها و فرصتهایی که آنان مورد استفاده قرار داده‌اند، ضرورت بازبینی و تجدیدنظر در سیاست‌های کنونی ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی در راستای دستیابی به اهدافی مانند جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (که در سند چشم‌انداز مورد اشاره قرار گرفته است) کاملاً آشکار می‌گردد.

راهکارهای ارتقای حضور ایران در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی

امروزه با توجه به اهمیت، جایگاه و نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست و اقتصاد بین‌الملل، کلیه دولت‌ها به دنبال افزایش توان حضور و مشارکت فعال در این نهادهای منطقه‌ای و جهانی می‌باشند. براین اساس ایران نیز که یکی از مهمترین اعضای مؤسس برخی از سازمان‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و مرکز تجارت، فرهنگ و ارتباطات جهانی در طول تاریخ بوده است، نیز درصدد تقویت جایگاه خود در این نهادها و مجامع فراملی برآمده است. به‌گونه‌ای که این مسئله یکی از اولویت‌های برنامه‌های توسعه بوده و در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. بدین منظور جمهوری اسلامی ایران برای بهبود جایگاه خود در سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی باید ملاحظات زیر را مورد توجه قرار دهد:

۱. تغییر رویکرد ایران در قبال حضور و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی: اگرچه حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور انتقال پیام انقلاب اسلامی به ملت‌های جهان یکی از اهداف سیاست خارجی ایران است؛ اما تنها از طریق لابی‌گری و اجماع‌سازی با سایر اعضای سازمان‌های بین‌المللی می‌توان نقش مؤثری در تعیین دستور کارهای نظام بین‌الملل ایفا نمود. براین اساس ضروری است که ایران، رویکرد خود به سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان تریبون انتقال پیام انقلاب را به‌عنوان هدف حداقلی و اولیه تلقی نموده و درصدد ارتقای حضور و مشارکت فعال در این سازمان‌ها به‌منظور دستیابی به نفوذ مؤثر و تأثیرگذاری بر قواعد و رژیم‌های بین‌المللی باشد.

۲. تدوین یک فرایند منسجم و هدفمند در شیوه انتخاب و استفاده از نیروهای متخصص، حرفه‌ای و کارآمد در نهادهای بین‌المللی: انتخاب نمایندگان شایسته برای حضور در سازمان‌های بین‌المللی یکی از مهمترین الزامات حضور فعال در این سازمان‌هاست. این مسئله به‌ویژه با توجه به اینکه برخی از نمایندگان و سفرای ایران در سازمان‌های بین‌المللی از تخصص لازم برخوردار نیستند اهمیت بیشتری دارد. در این میان شاخصه‌هایی مانند تسلط علمی و عملی بر فضای



بین‌المللی، تسلط علمی و عملی بر سازمانی که در آن حضور دارند، تسلط به زبان انگلیسی و یک زبان دیگر بین‌المللی، تسلط به تاریخ، تمدن و فرهنگ ایرانی، تسلط علمی و عملی بر فنون مذاکره، چانه‌زنی، لابی‌گری و ارتباط و سابقه مؤثر فعالیت بین‌المللی برای سفرای ایران ضروری است. بدین منظور مجلس شورای اسلامی می‌تواند با تدوین قوانین لازم، ملاک‌های تعیین سفرای و نمایندگان ایران در خارج از کشور و به‌ویژه در سازمان‌های بین‌المللی را تعیین نماید.

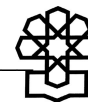
۳. **ارائه چهره‌ای مطلوب از ایران در نظام بین‌الملل:** با توجه به اینکه در سال‌های پس از انقلاب، کشورهای غربی تصویر و چهره‌ای تصنعی از ایران را در سطح نظام بین‌الملل با استفاده از ابزارهای قوی ارتباطی و رسانه‌ای خود ارائه داده است این مسئله یکی از موانع حضور فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی شده است. جمهوری اسلامی ایران باید از طریق افزایش تعامل سازنده با سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای ایجاد فضای رسانه‌ای، تبلیغاتی و مجازی مؤثر به دنبال ارائه چهره واقعی و مناسب ایران در سطح بین‌المللی اقدام نماید. در این زمینه به‌ویژه استفاده از فضای مجازی اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای نقش بسیار مهم و مؤثری می‌تواند داشته باشد.

۴. **افزایش همکاری با سازمان‌ها و مجامع غیردولتی:** با توجه به اینکه امروزه سازمان‌های غیردولتی به دلیل نقش آنان در شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از اهمیت بسیاری برخوردار شده‌اند، جمهوری اسلامی باید از ظرفیت این سازمان‌ها برای حضور مؤثر بر فرایندهای سیاسی - اجتماعی بین‌المللی استفاده کند. در این میان تقویت ارتباط با این سازمان‌ها و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی همسان با آن در ایران نقش مهمی در ارتقای جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی دارد.

۵. **تلاش برای ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای مؤثر با محوریت ایران:** ایران باید تلاش کند تا با توجه به ائتلاف‌سازی در سطح منطقه‌ای، پایه‌گذار معاهدات و سازمان‌های منطقه‌ای با محوریت جمهوری اسلامی ایران بوده و در برابر ائتلاف‌های فرامنطقه‌ای، مکانیسم‌های حقوقی - سیاسی لازم را به‌وجود آورد.

۶. **افزایش تعاملات سیاسی با کشورهای تأثیرگذار در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی:** از آنجایی که حضور مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی مستلزم برقراری ارتباط نزدیک با قدرت‌های مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی است، ایران باید به دنبال گسترش تعاملات خود با دولت‌ها و کشورهای مؤثر در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.

۷. **تلاش برای توانمندسازی سازمان‌های منفعل و غیرمؤثر موجود:** اگرچه ایران مشارکت مؤثری در برخی سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، اکو، D8 و.. دارد اما بسیاری از این سازمان‌ها نقش مهمی در تعیین فرایندهای سیاسی -



امنیتی و اقتصادی کنونی ندارند. در این زمینه ایران باید اولاً اولویت‌های خود را جهت حضور در این سازمان‌ها تعیین کند (مثلاً به جای تلاش برای عضویت در اتحادیه عرب، به دنبال نزدیکی بیشتر و حضور در شورای همکاری خلیج فارس باشد). ثانیاً به دنبال ابزارها و مکانیسم‌های اجرایی مؤثر برای افزایش پتانسیل‌های سازمان‌هایی مانند عدم تعهد و به‌ویژه سازمان کنفرانس اسلامی باشد (در این زمینه مثلاً مکانیسم‌هایی جهت رأی متحد و منسجم اعضای این سازمان‌ها در مجامع دیگر تدوین و ضمانت اجرای مؤثر آن نیز معین گردد).

۸. اولویت‌بندی حضور در سازمان‌های بین‌المللی: با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در برخی از حوزه‌های سیاسی (مانند مسئله حقوق بشر) و یا حوزه‌های امنیتی (مانند هسته‌ای، تروریسم و...) با چالش‌هایی در سازمان‌های بین‌المللی مواجه است ضروری است که فعالیت مؤثر در سازمان‌های مذکور در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفته و انتقادات و چالش‌های این سازمان‌ها از ایران با بررسی کارشناسی و افزایش تعاملات ایران و این سازمان‌ها مرتفع گردد.

۹. استفاده از پتانسیل ایرانیان خارج از کشور: یکی از مهمترین راهکارهایی که می‌تواند به افزایش جایگاه ایران در نظام بین‌الملل کمک کند استفاده از ایرانیان خارج از کشور برای اعتلای ایران در سازمان‌های بین‌المللی است. این مسئله از طریق افزایش فعالیت شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور و تشکیل بانک اطلاعات ایرانیان خارج از کشور و ایجاد یک لابی ایرانی در سایر کشورها ممکن است.

۱۰. به‌کارگیری تجربیات سایر کشورها برای نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی: امروزه کشورهای مختلف جهان در یک فضای رقابتی به دنبال افزایش نفوذ خود در سازمان‌های بین‌المللی هستند. در این میان برخی از کشورهای جهان سومی مانند هند، چین، ترکیه، مالزی، کره جنوبی و... با استفاده از شیوه‌های گوناگون توانسته‌اند جایگاه کشورشان در مجامع بین‌المللی را ارتقا دهند. استفاده از تجربیات این کشورها و به‌کارگیری شیوه‌های مختلف نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی مسلماً نقش مهمی در توانمندسازی ایران در این سازمان‌ها دارد.

۱۱. توجه و تدبیر کافی برای اولویت‌بندی عضویت در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی: با توجه به برخی تهدیدات پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اصول زیر را مدنظر قرار داده و براساس آن به اولویت‌بندی عضویت در این مجامع اقدام کند.

الف) در نظر گرفتن سود و منافع چشمگیر: پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی همواره باید با ملاحظه مزایا و هزینه‌های عضویت در این سازمان‌ها صورت گیرد. زیرا که اولاً بسیاری از ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی به دلایل مختلف از ابتدا محکوم به شکست بوده یا در عمل با ناکامی روبرو



هستند و عضویت و عدم عضویت در آنها هیچ نفعی برای کشور ندارد. ثانیاً همواره تهدیداتی نسبت به حضور غیرکارشناسی در برخی سازمان‌های بین‌المللی برای کشور وجود دارد. بنابراین جهت عضویت در یک معاهده یا سازمان باید رویکرد هزینه - فایده ملاک قرار گرفته و صرفاً به استناد خروج از انزوای بین‌المللی یا حضور در مجامع خارجی به عضویت در این سازمان‌ها اقدام نکنیم. براین اساس جهت عضویت و حضور در سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی باید از نظر کارشناسان غیردولتی و متخصصان امر استفاده کرده و تنها به نظر قوه مجریه اکتفا نشود.

ب) تقویت هنجارهای مورد تأکید جمهوری اسلامی: عضویت در سازمان‌ها و مجامعی که اصول انقلاب و ارزش‌های ملی و اسلامی ایران را مورد تأکید قرار می‌دهند باید در اولویت قرار گیرد. با این وجود در هنگام عضویت باید به کارآمدی این سازمان‌ها یا راهکارهای افزایش توانایی تأثیرگذاری آن در نظام بین‌الملل نیز توجه کرد.

ج) تأکید بر ائتلاف‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی: در پیوستن به مجامع بین‌المللی باید عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و ایجاد اتحاد و ائتلاف با کشورهای مؤثر در نظام بین‌الملل مدنظر قرار گرفته و در اولویت باشد.

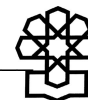
د) تقویت جایگاه کشور در مناسبات جهانی: عضویت در سازمان‌هایی که به تقویت موقعیت کشور در روابط بین‌الملل کمک می‌کند باید در اولویت قرار گیرد. این مسئله به‌ویژه در مورد سازمان‌های غیردولتی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

ه) کاهش تهدیدات خارجی: مسلماً شرایط خاص کشور اقتضا می‌کند که در شرایط فعلی عضویت و حضور در سازمان‌ها و مجامعی که به نحوی چانه‌زنی کشور را افزایش داده و از تهدیدات علیه آن می‌کاهد در اولویت قرار گیرد.

و) تقویت حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای جدید در منطقه: اگرچه حضور در سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ اما ایران باید حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای جدید در سطح منطقه را در اولویت دیپلماسی خود قرار دهد. این مسئله می‌تواند در کاهش اهمیت و تأثیرگذاری سازمان‌ها و سازوکارهای متضاد با سازمان‌های جدیدی که ایران بانی آن بوده و در راستای پیشبرد منافع ملی و تقویت هنجارهای آن عمل می‌کند، نقش مهم و مؤثری داشته باشد.

۱۲. تدوین برنامه مدون در راستای ارتقای جایگاه ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و

بین‌المللی: مسلماً ایران برای دستیابی به جایگاه شایسته و نفوذ مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی باید برنامه‌ریزی مدون، هدفمند، منسجم و بلندمدتی برای حضور در این سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و رفع موانع مشارکت فعال در این نهادها و مجامع را تهیه و تدوین نماید. زیرا که اولین



گام برای حضور فعال در این سازمان‌ها، وجود برنامه‌های مدون، عملیاتی و اجرایی است چنانچه با یک تحلیل مقایسه‌ای حضور ایران و کشورهای نظیر هند، چین، مالزی و ترکیه در سازمان‌های بین‌المللی، موانع بسیار حضور ایران در این سازمان‌ها علی‌رغم همپایگی ایران و کشورهای مذکور مشاهده می‌شود. دلیل اصلی این مسئله نیز عدم وجود یک رهیافت منسجم و طرح راهبردی کلان برای تحقق این موضوع است. در این زمینه با مقایسه سیاست‌های اجرایی ایران، ترکیه و اسرائیل برای عضویت غیردائم در شورای امنیت سازمان ملل نیز ضرورت رویکردی منسجم و بلندمدت و تلاش برای تحقق آن آشکار می‌شود زیرا که ترکیه توانست با رایزنی‌های گسترده از طریق نمایندگان ویژه وزارت خارجه آن در کشورهای مختلف و اعلام مواضع خود در ارتباط با مسائل چالش‌برانگیز سیاست خارجی‌اش (مانند مسئله قبرس)، موافقت کشورهای مختلف را برای عضویت در این شورا به دست آورد. این در حالی است که ایران در کسب موافقت این کشورها ناکام ماند. از سوی دیگر تلاش اسرائیل از سال ۲۰۰۵ برای عضویت غیردائم در شورای امنیت در سال ۲۰۱۹-۲۰۲۰ نیز نشان‌دهنده رویکردی بلندمدت و منسجم برای افزایش نفوذ آن در سازمان‌های بین‌المللی است. براین اساس ایران باید به دنبال برنامه‌ای راهبردی و منسجم برای افزایش حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باشد و اولین گام مؤثر در این زمینه می‌تواند تدوین برنامه‌ای عملیاتی برای دوره عضویت ۹ ساله ایران در تروئیکای عدم تعهد و سپس دوره ریاست ایران این سازمان در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ یا ریاست بر گروه ۸ باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 1.H. K. Jacobson, *Networks of Interdependence: International Organization and Global Political System*, New York: Knopf, 1984, PP.5-7.
- 2.B. Pitman Potter, *An Introduction to the Study of International Organization*, London: G. Bell & Sons Ltd. 1982, PP 4-10.
- 3.Ralph Pettman, *World Politics: Rationalism and Beyond*, London: Palgrave, 2001.
- 4.I. Claude, *International Organization*, in *International Encyclopedia of the Social Science*, (ed.) By David L. Sills, New York: The Macmillan Company & the Free Press, 1968.
5. زندفرد، فریدون، ایران و جامعه ملل، تهران: شیرازه، ۱۳۷۷، ص ۳.
6. موجانی، سیدعلی، ایران از جامعه ملل تا سازمان ملل متحد، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳، ۱۳۷۴.
7. آقایی، سیدداوود، ایران و سازمان‌های بین‌المللی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
8. کریمی، غلامرضا، جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های بین‌المللی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۶.
9. صحیفه نور، جلد ۱۲، تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۴، ص ۱۱۹.
۱۰. صحیفه نور، جلد ۱۰، تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۴، ص ۱۹۲-۱۹۳.



۱۱. کریمی، علیرضا، پیشین.
۱۲. خرازی، کمال، ارزیابی جمهوری اسلامی ایران از تحولات سازمان ملل متحد، (مصاحبه فصلنامه سیاست خارجی با دکتر کمال خرازی)، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۳، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷۲.
۱۳. صمدی، مهدی. ایران و سازمان‌های بین‌المللی، نک <http://www.bashgah.net>
۱۴. کریمی، علیرضا، پیشین.
۱۵. طباطبایی، سیدعلی، راهکارهای ارتقای جایگاه ایران در سازمان‌های بین‌المللی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۴۳-۵۸.
۱۶. فوزی تویسرکانی، یحیی، سازمان کنفرانس اسلامی تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶-۱۴۷.
۱۷. شیخ حسنی، کامبیز، اکو: یک دیدگاه منطقه‌ای، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۱۸. طباطبایی، سیدعلی، پیشین، ص ۴۳-۵۸.
۱۹. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی ایران در دوره احمدی‌نژاد، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
۲۰. غریب‌آبادی، کاظم، مروری بر دستاوردهای سیاست خارجی دولت نهم، نک: <http://www.irandiplomacy.ir/modules/news/article.php?storyid=3128>.
۲۱. طباطبایی، سیدعلی، پیشین، ص ۸۸.
۲۲. همان، ص ۹۴-۹۵.
۲۳. همان، ص ۹۷.
۲۴. روان بد، امین، راهکارهای ارتقای امکانات سازمانی جمهوری اسلامی ایران در سطح سازمان‌های منطقه‌ای، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال سوم، شماره ۱۵۷، دی ۱۳۸۶.
۲۵. برای مطالعه بیشتر نک: بهزاد خوش‌اندام، مقایسه مشارکت ایران و ترکیه در سازمان‌های بین‌المللی و راهبردهای ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال سوم، شماره ۱۵۲، آذر ۱۳۸۶.
۲۶. برای مطالعه بیشتر نک: امین روان‌بد: دیپلماسی فعال عربستان سعودی در سازمان‌های بین‌المللی و راهکارهای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال سوم، شماره ۱۱۹، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۲۷. خوش‌اندام، بهزاد، عضویت غیردائم ایران در شورای امنیت (۲۰۰۹-۲۰۱۰)، چشم‌اندازها و راهبردها، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال چهارم، شماره ۱۹۴، مهر ۱۳۸۷.



شماره مسلسل: ۹۸۲۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ۱۹. آسیب‌شناسی حضور ایران در سازمان‌های بین‌المللی بایسته‌های دهه چهارم انقلاب و برنامه پنجم توسعه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی جاودانی مقدم

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

منتقاضی: معاونت پژوهشی

سروراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۶/۴